



Identification of Effective Factors on the Smart Land Use Planning Evaluation Model (Case Study: Textile Industry)

Bahareh Marandi¹, GholamReza Memar Zadeh Tehran^{*2}, Morteza Mousakhani³, Hasan Ghanimati⁴

1- PhD student in Public Administration, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran.

2*- Associate Professor, Department of Public Administration, Faculty of Management and Economics, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

3- Professor, Department of Public Administration, Tehran Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

4- Assistant Professor, Department of Management, Faculty of Management, West Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Abstract

Background and Objective: The aim of this research is to identify the factors influencing the Smart Spatial Planning Evaluation Model in the textile industry. This is intended to contribute to sustainable development by addressing climatic, social, and economic needs, with an emphasis on appropriate investment and technology.

Methodology: This study follows a quantitative approach and employs the Delphi method. Data were collected through a structured questionnaire in two phases, including surveys of experts in the textile industry, senior managers, and specialists in this field. Data analysis was performed using Smart PLS and SPSS software, with a sample size of 384 managers and experts from the textile industry.

Findings: The results of the research show that spatial planning evaluation in Iran's textile industry is divided into seven main dimensions: climatic conditions, community needs and consumption trends, investment and marketing, technical knowledge and technology, operational factors, managerial and legal factors, and socio-economic factors. Specifically, components such as climate localization, community lifestyle, competitive marketing, production automation, appropriate executive structures, alignment of national laws with local conditions, and job creation for local communities were identified as key factors.

Discussion: This research follows a quantitative approach and uses the Delphi method. Data were collected through a structured questionnaire in two stages, involving surveys of experts in the textile industry and senior managers and specialists in this sector. Data analysis was carried out using Smart PLS and SPSS software, with a sample size of 384 managers and experts from the textile industry.

Conclusion: The results of this study suggest that spatial planning evaluation in the textile industry can lead to regional balance, sustainable development, environmental protection, and increased productivity. This model also contributes to reducing inequalities and improving social welfare by strengthening economic and social conditions. This research proposes a comprehensive model for spatial planning in this industry, which could assist in enhancing development policies and equitable regional sustainability.

Keywords: Spatial Planning, Textile Industry, Histogram Charts

Citation:

Marandi, B. , MemarZadeh tehran, G. , Mousakhani, M. and Ghanimati, H. (2025). Identification of Effective Factors on the Smart Land Use Planning Evaluation Model (Case Study: Textile Industry) .Journal of Intelligent Marketing Management, 6(1), 248-279.



شناسایی عوامل موثر بر مدل ارزیابی آمایش سرزمین هوشمند (مطالعه موردی: صنعت نساجی)

بهاره مرندی^۱، غلامرضا معمارزاده طهران^{۲*}، مرتضی موسی خانی^۳، حسن غنیمتی^۴

۱- دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.

۲* - دانشیار، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۳- استاد گروه مدیریت دولتی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۴- استادیار گروه مدیریت، دانشکده مدیریت، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: هدف این تحقیق شناسایی عوامل موثر بر مدل ارزیابی آمایش سرزمین هوشمند در صنعت نساجی است تا با توجه به نیازهای اقلیمی، اجتماعی و اقتصادی، و با تأکید بر سرمایه گذاری و فناوری مناسب، به توسعه پایدار کمک کند.

روش شناسی: این پژوهش با رویکرد کمی و روش دلفی انجام شده است. داده‌ها از طریق پرسشنامه ساختاریافته و در دو مرحله، شامل نظرسنجی از خبرگان صنعت نساجی و مدیران ارشد و کارشناسان این حوزه، جمع‌آوری شده است. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای Smart PLS و SPSS انجام گردیده و نمونه آماری ۳۸۴ نفر از مدیران و کارشناسان صنعت نساجی بوده است.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان می‌دهد که ارزیابی آمایش سرزمین در صنعت نساجی ایران به هفت بُعد اصلی تقسیم می‌شود: شرایط اقلیمی، نیازهای جامعه و گرایش‌های مصرف، سرمایه گذاری و بازاریابی، دانش فنی و تکنولوژی، عوامل اجرایی، عوامل مدیریتی و قانونی، و عوامل اقتصادی-اجتماعی. به طور خاص، مؤلفه‌هایی مانند بومی سازی اقلیمی، سبک زندگی جامعه، بازاریابی رقابتی، خودکارسازی تولید، ساختار اجرایی مناسب، تناسب قوانین ملی با شرایط محلی، و اشتغال آفرینی برای جوامع محلی به عنوان عوامل کلیدی شناسایی شدند.

بحث: این پژوهش با رویکرد کمی و روش دلفی انجام شده است. داده‌ها از طریق پرسشنامه ساختاریافته و در دو مرحله، شامل نظرسنجی از خبرگان صنعت نساجی و مدیران ارشد و کارشناسان این حوزه، جمع‌آوری شده است. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای Smart PLS و SPSS انجام گردیده و نمونه آماری ۳۸۴ نفر از مدیران و کارشناسان صنعت نساجی بوده است.

نتیجه‌گیری: نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که ارزیابی آمایش سرزمین در صنعت نساجی می‌تواند به تعادل منطقه‌ای، توسعه پایدار، حفاظت محیط زیست و افزایش بهره‌وری منجر شود. این مدل همچنین با تقویت شرایط اقتصادی و اجتماعی، به کاهش نابرابری‌ها و ارتقاء رفاه اجتماعی کمک می‌کند. پژوهش حاضر مدل جامعی را برای آمایش سرزمین در این صنعت پیشنهاد می‌دهد که می‌تواند به بهبود سیاست‌گذاری‌های توسعه و پایداری عادلانه منطقه‌ای کمک کند.

کلیدواژه‌ها: آمایش سرزمین، صنعت نساجی، نمودارهای هیستوگرام

استناد:

مرندی، بهاره و معمارزاده طهران، غلامرضا و موسی خانی، مرتضی و غنیمتی، حسن. (۱۴۰۳). شناسایی عوامل موثر بر مدل ارزیابی آمایش سرزمین هوشمند (مطالعه موردی: صنعت نساجی). مدیریت بازاریابی هوشمند، ۶(۱)، ۲۴۸-۲۷۹.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۱۰

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۱/۰۱

https://doi.org/JABM.3.2.15564.35125656565047

نشریه مدیریت بازاریابی هوشمند، ۱۴۰۴، دوره ۶، شماره ۱، پیاپی ۲۷

ناشر: نشریه مدیریت بازاریابی هوشمند

نوع مقاله: علمی پژوهشی

© نویسندگان

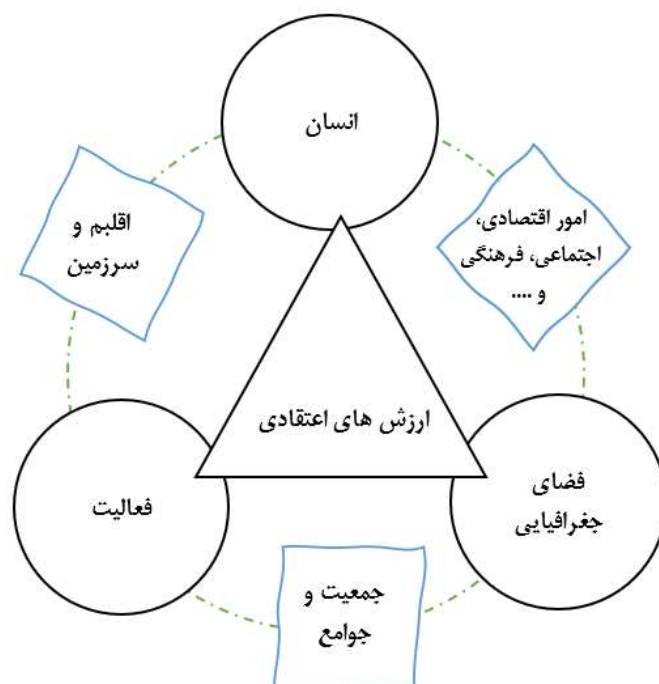


مقدمه

در دنیای امروز، تغییرات با سرعت بیشتری رخ میدهند و پدیده های فضایی به تدریج رفتارهای پیچیده تری از خود نشان میدهند. برنامه ریزان برای درک این پیچیدگیها به زبانی نیاز دارند که توانایی فهم آنها را افزایش دهد. طرحهای آمایشی به عنوان زبان جغرافیایی برنامه ریزان عمل کرده و به آنها در برقراری ارتباط با این جهان پیچیده یاری میرساند (مختاری کرچگانی و همکاران، ۱۳۹۹). امروزه آمایش سرزمین به طور فزایندهای به عنوان یک استراتژی جغرافیای حیاتی برای توسعه پایدار، به ویژه در زمینه شهرنشینی و چالشهای زیست محیطی شناخته شده است (هی و همکاران، ۲۰۲۲). آمایش سرزمین موثر ملاحظات اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی را ادغام کرده و توسعه متعادل را تسهیل میکند تا نیازهای فعلی و آینده را برآورده سازد (سولکا و همکاران، ۲۰۱۸) در حقیقت آمایش سرزمین به معنای سازماندهی بهینه فضا به منظور تحقق اهداف و راهبردهای ملی جامع است که به آرمانهای جامعه کمک میکند (اولسینا، ۳، ۲۰۲۲). صنعت نساجی یکی از صنایعی است که توجه به آمایش سرزمینی در آن نقش مهمی ایفا می کند. با توجه به بند الف ماده ۴۶ قانون برنامه ششم توسعه، وزارت صنعت، معدن و تجارت موظف است تا فهرست اولویت های صنعتی را با رعایت ملاحظات آمایش سرزمینی تنظیم کند. این الزام قانونی به وضوح نشان می دهد که برای توسعه متوازن صنعت نساجی، باید ظرفیت های منطقه ای و مزیت های نسبی هر منطقه به دقت مورد توجه قرار گیرد. به عبارت دیگر، توزیع جغرافیایی واحدهای صنعتی نساجی باید به گونه ای باشد که تعادل منطقه ای و کاهش نابرابری های اقتصادی و اجتماعی را محقق سازد (فیدن و همکاران، ۲۰۲۴). ارزیابی آمایش سرزمینی به صنعت نساجی کمک می کند تا با رویکرد برنامه ریزی پویا، سیاست هایی با توان سازگاری و پاسخگویی به شرایط جدید در طول زمان تدوین شود. این امر برای صنعت نساجی که با تغییرات سریع فناوری و بازار مواجه است، بسیار حیاتی است. مطالعه علمی آمایش سرزمین می تواند به سیاست گذاری انطباقی و تاب آور در صنعت نساجی کمک کند، به طوری که این صنعت بتواند در شرایط پیچیده و پیش بینی نشده عملکرد مثبتی داشته باشد. مطالعه علمی آمایش سرزمینی و ارزیابی آن می تواند به رفع ضعف های مرتبط با عدم یکپارچگی سیاست های توسعه صنعت نساجی کمک کند و منجر به رویکردی یکپارچه شود (محمدی و همکاران، ۱۴۰۱). ارزیابی آمایش سرزمین می تواند به توسعه متوازن و پایدار صنعت نساجی کمک کرده به طوری که این صنعت بتواند در راستای اهداف آمایش سرزمین، به توسعه اقتصادی منطقه ای و ملی کمک کند. در نهایت، مطالعه علمی و ارزیابی آمایش سرزمینی برای صنعت نساجی می تواند به شناسایی فرصت ها و چالش های پیش رو، بهبود تصمیم گیری ها، و حرکت در مسیر توسعه پایدار و متوازن کمک کند. با توجه به نکات مطرح شده و اهمیت موضوع به لحاظ عملیاتی میتوان گفت مدل ارائه شده این تحقیق می تواند به سیاست گذاران و مدیران صنعت نساجی در اتخاذ تصمیمات بهینه کمک کند. با توزیع مناسب صنایع نساجی بر اساس آمایش سرزمین، امکان افزایش بهره وری و کارایی این صنعت فراهم می شود. با ارزیابی دقیق آمایش سرزمین، امکان مدیریت بهتر منابع طبیعی و انسانی در صنعت نساجی فراهم می شود. بنابراین، این تحقیق به دنبال پاسخ دادن به این سوال اساسی است عوامل موثر بر مدل ارزیابی آمایش سرزمینی هوشمند (مورد مطالعه: صنعت نساجی) کدامند؟

پیشینه نظری

آمایش به عنوان مجموعه‌ای از اهداف و فعالیت‌هایی تعریف شده است که از طریق آن‌ها مردم با زمین و اکوسیستم‌های زمینی تعامل می‌کنند. این مفهوم به «ترکیبی از ترتیبات، اقدامات و ورودی‌هایی که افراد در یک نوع زمین خاص به کار می‌گیرند» اشاره دارد. آمایش سرزمین به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تغییرات محیطی جهانی شناخته می‌شود (الیس، ارل، گلدوییک، کیز کلاین؛ ۲۰۱۹). همچنین، آمایش سرزمین برنامه‌ای راهبردی است که به تعادل بخشی میان فعالیت‌ها، جمعیت و زیرساخت‌ها پرداخته و بر پایه توانایی‌ها و ظرفیت‌های ذاتی سرزمین بنا شده است (وکیلی، ۱۴۰۰). همان‌طور که در شکل (۱) می‌بینید، انسان، فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی او و فضا، عناصر مشترک جغرافیا و آمایش سرزمین را تشکیل می‌دهند. هدف آمایش سرزمین، سازماندهی مطلوب فضا به منظور رسیدن به توسعه پایدار است. نمودار زیر به صورت ساده و بصری، ارتباط بین انسان و محیط اطرافش را در مفهوم آمایش سرزمین نشان می‌دهد. آمایش سرزمین به دنبال یافتن بهترین راه برای استفاده از منابع طبیعی و انسانی یک منطقه، با توجه به شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن منطقه است. این نمودار نشان می‌دهد که آمایش سرزمین یک موضوع پیچیده است که به عوامل مختلفی بستگی دارد و نیازمند یک نگاه جامع و همه‌جانبه است.



شکل ۱: رابطه جغرافیا و آمایش سرزمین

آمایش سرزمین، یک رویکرد جامع و فراگیر است که با تلفیق دانش اقتصاد، جغرافیا و جامعه‌شناسی، به دنبال ایجاد تعادل بین انسان، فضا و فعالیت‌های اقتصادی است. این فرایند، با تعیین بهترین مکان برای فعالیت‌های مختلف و هماهنگی بین بخش‌های مختلف اقتصادی، به دنبال توسعه پایدار و متوازن در سطح ملی و محلی است. آمایش سرزمین، به عنوان یک سند بالادستی، راهبردهای توسعه بلندمدت را

مشخص کرده و با ایجاد یک چارچوب منسجم، به رفع چالش‌ها و تنگناهای توسعه کمک می‌کند (بختیاری، ۱۴۰۲). همانگونه که مشخص است تعاریف متعددی از آمایش سرزمین ارائه شده است. در جدول ۱ تعاریف محققان به ترتیب سال آمده است که وجوه اشتراک این تعاریف عبارتند از:

جدول ۱: تعاریف مختلف آمایش سرزمین

تعریف آمایش سرزمین	سال	محقق/منبع
آمایش سرزمین به معنای ایجاد تعادل بین انسان، فضا و فعالیت‌های اقتصادی، با هدف استفاده بهینه از منابع موجود است.	۱۹۸۰	برژر
مدیریت کشور از طریق ایجاد تعادل بین انسان، فضا و فعالیت.	۱۹۸۷	هانسن
برنامه‌ریزی فضایی با هدف استفاده کارآمد از منابع طبیعی و اجتماعی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی.	۱۹۹۳	فریدریش
فرآیند تنظیم و برنامه‌ریزی برای توزیع فعالیت‌های اقتصادی و جمعیت بر اساس منابع طبیعی و انسانی.	۱۹۹۵	سلحشور
رویکردی جامع به توسعه منطقه‌ای که به توزیع عادلانه فرصت‌ها و منابع در سراسر کشور می‌پردازد.	۱۹۹۷	روستن
رویکرد جامع و همه‌جانبه برای توزیع متوازن فرصت‌ها و منابع در سطح کشور.	۲۰۰۰	آیبار
فرآیند هماهنگی فعالیت‌های اقتصادی و انسانی در سطح منطقه‌ای با توجه به ظرفیت‌های اکولوژیکی و اجتماعی.	۲۰۰۱	ویلر
استراتژی‌هایی برای توزیع عادلانه جمعیت و فعالیت‌ها با در نظر گرفتن پایداری زیست‌محیطی و اجتماعی.	۲۰۰۵	اسکات
تلفیقی از برنامه‌ریزی‌های اجتماعی، اقتصادی و فضایی که به دنبال افزایش بهره‌وری و کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای است.	۲۰۰۷	هولدن
راهبردی برای توزیع بهینه جمعیت و منابع با توجه به ظرفیت‌های اکولوژیکی، اقتصادی و اجتماعی هر منطقه.	۲۰۱۰	زاوین
فرآیندی که به دنبال ایجاد تعادل در استفاده از منابع طبیعی، انسانی و اقتصادی برای توسعه پایدار است.	۲۰۱۲	مورلی

تعریف آمایش سرزمین	سال	محقق/منبع
رویکردی جامع که به ترکیب فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی در قالب فضای جغرافیایی می‌پردازد.	۲۰۱۵	اسمیت
برنامه‌ریزی برای استفاده بهینه از زمین و منابع طبیعی با هدف توسعه پایدار و بهبود کیفیت زندگی مردم.	۲۰۱۸	جکسون
رویکرد هماهنگ‌سازی جغرافیایی بین فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی با توجه به ظرفیت‌های منطقه‌ای.	۲۰۱۹	مدیروس
ترکیبی از ترتیبات و اقدامات انسانی در ارتباط با زمین که بر تغییرات محیطی تأثیر می‌گذارد.	۲۰۲۱	کیز کلاین

با توجه به تعاریف مختلف جدول بالا، تعریف جامع و کامل آمایش سرزمین را میتوان اینگونه بیان کرد: آمایش سرزمین فرآیند برنامه‌ریزی و تنظیم فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی در سطح منطقه‌ای و ملی است که با هدف ایجاد تعادل بین انسان و فضا، توزیع عادلانه منابع و فرصت‌ها و استفاده بهینه از منابع طبیعی و انسانی صورت می‌گیرد. این فرآیند به دنبال توسعه پایدار است که ضمن افزایش بهره‌وری و کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای، پایداری زیست‌محیطی و اجتماعی را نیز تضمین می‌کند.

ارزیابی توان اکولوژیکی و اهمیت آن برای ایران

ارزیابی توان اکولوژیکی به فرآیندی گفته می‌شود که در آن ویژگی‌ها و قابلیت‌های اکولوژیکی هر منطقه مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌گیرد تا مشخص شود که آن منطقه برای چه نوع کاربری‌ها یا فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی مناسب است. هدف از این ارزیابی، تنظیم رابطه انسان با طبیعت به گونه‌ای است که توسعه پایدار و همگام با محیط‌زیست فراهم شود. این ارزیابی می‌تواند به شناسایی استعدادها و طبیعی هر منطقه برای توسعه کمک کند و برنامه‌های توسعه را با توجه به ویژگی‌های اکولوژیکی هر منطقه تنظیم کند. روش‌های ارزیابی توان اکولوژیکی شامل شناسایی منابع محیطی، ترکیب اطلاعات و استفاده از مدل‌های اکولوژیکی برای تعیین بهترین کاربری‌ها هستند. این مدل‌ها با در نظر گرفتن منابع اکولوژیکی مختلف مانند خاک، آب، پوشش گیاهی و...، به ارزیابی توان هر منطقه برای کاربری‌های خاص می‌پردازند.

فرآیند ارزیابی توان اکولوژیکی شامل سه مرحله اصلی است: (۱) شناسایی منابع اکولوژیکی، (۲) تجزیه و تحلیل داده‌ها و (۳) ارزیابی نهایی توان اکولوژیکی محیط. این مراحل به برنامه‌ریزی و طبقه‌بندی یگان‌های زیست‌محیطی کمک می‌کنند و بر اساس آن‌ها می‌توان تصمیمات مناسبی برای توسعه پایدار اتخاذ کرد. اهمیت ارزیابی توان اکولوژیکی در این است که اگر منطقه‌ای فاقد توان مناسب برای کاربری خاصی باشد، حتی در صورت نیاز اجتماعی-اقتصادی، اجرای آن کاربری ممکن است نه تنها سودی نداشته باشد، بلکه به تخریب محیط زیست نیز منجر شود. به همین دلیل، ارزیابی توان اکولوژیکی به‌عنوان یکی از ابزارهای اصلی در برنامه‌ریزی استراتژیک استفاده از سرزمین شناخته می‌شود. اهمیت ارزیابی توان اکولوژیکی در ایران به دلیل محیط‌های متنوع اکولوژیکی آن بسیار بالا است. ایران با تنوع بالای زیست‌محیطی، از مناطق خشک و بیابانی تا جنگل‌ها و مراتع، نیازمند برنامه‌ریزی دقیق برای استفاده از منابع طبیعی خود است.

این ارزیابی، اطلاعات ضروری برای برنامه‌ریزی استفاده از سرزمین و توزیع فعالیت‌های توسعه‌ای فراهم می‌آورد و در برنامه‌ریزی‌های آمایش سرزمین نقش کلیدی ایفا می‌کند

ملاحظات کلیدی در ارزیابی آمایش سرزمین

جدول شماره ۲ ملاحظات کلیدی در ارزیابی آمایش سرزمین را تبیین می‌کند. این جدول شامل تحلیل محیطی و اکولوژیکی است که به بررسی منابع طبیعی و تغییرات اقلیمی می‌پردازد. تحلیل اجتماعی و فرهنگی توزیع جمعیت و نیازهای اجتماعی را مورد بررسی قرار می‌دهد. تحلیل اقتصادی پتانسیل‌ها و نابرابری‌های اقتصادی را ارزیابی می‌کند. تحلیل زیرساخت‌ها و خدمات عمومی به وضعیت فیزیکی و خدمات عمومی توجه دارد. تحلیل قانونی و مدیریتی به بررسی سیاست‌ها و کارآمدی قوانین می‌پردازد. تحلیل SWOT نقاط قوت و ضعف داخلی و فرصت‌ها و تهدیدهای خارجی را تحلیل می‌کند. همچنین، مطالعات تجربی و تطبیقی به بررسی تجارب کشورهای دیگر و تحلیل مشارکت مردمی و ذینفعان به نحوه مشارکت در فرآیند آمایش سرزمین توجه دارد (ابراهیم زاده و موسوی، ۱۳۹۹).

جدول ۲: ملاحظات کلیدی در ارزیابی آمایش سرزمین (منبع: ابراهیم زاده و موسوی، ۱۳۹۹).

ملاحظات کلیدی	توضیح هر کدام از ملاحظات کلیدی
تحلیل محیطی و اکولوژیکی	بررسی منابع طبیعی، تنوع زیستی، مسائل زیست محیطی و تغییرات اقلیمی. این تحلیل شامل ارزیابی توان اکولوژیکی مناطق مختلف جهت استفاده بهینه از منابع طبیعی است.
تحلیل اجتماعی و فرهنگی	مطالعه توزیع جمعیت، نیازهای اجتماعی، ترکیب فرهنگی و آداب و رسوم مناطق مختلف. هدف اصلی، شناخت نابرابری‌های اجتماعی و فرهنگی برای ایجاد تعادل و توسعه پایدار است.
تحلیل اقتصادی	ارزیابی پتانسیل‌های اقتصادی، توزیع فعالیت‌های اقتصادی، فرصت‌های سرمایه‌گذاری و میزان اشتغال. همچنین تحلیل نابرابری‌های اقتصادی بین مناطق و توسعه نیافتگی.
تحلیل زیرساخت‌ها و خدمات عمومی	بررسی وضعیت زیرساخت‌های فیزیکی مانند حمل‌ونقل، انرژی، آب و ارتباطات. همچنین ارزیابی دسترسی و کیفیت خدمات عمومی همچون بهداشت، آموزش و خدمات اجتماعی.
تحلیل قانونی و مدیریتی	بررسی سیاست‌ها، قوانین و مقررات مرتبط با آمایش سرزمین. ارزیابی نقش نهادهای مدیریتی و بررسی میزان کارآمدی اجرای قوانین در راستای آمایش سرزمین.
تحلیل SWOT	ارزیابی نقاط قوت و ضعف داخلی، فرصت‌ها و تهدیدهای خارجی هر منطقه. این تحلیل به تدوین استراتژی‌های مناسب برای توسعه پایدار کمک می‌کند.
مطالعات تجربی و تطبیقی	بررسی تجارب موفق و ناموفق کشورهای دیگر در زمینه آمایش سرزمین و تطبیق آن با شرایط محلی برای بهره‌برداری از بهترین روش‌ها و دوری از مشکلات مشابه.
تحلیل مشارکت مردمی و ذینفعان	بررسی نحوه مشارکت مردم و نهادهای مدنی در فرآیند آمایش سرزمین. مشارکت مردم تضمین‌کننده پذیرش اجتماعی برنامه‌ها و تداوم توسعه پایدار خواهد بود.

آمایش سرزمین در صنعت نساجی

اهمیت صنعت نساجی در اقتصاد ملی

صنعت نساجی از جمله صنایعی است که در تمامی جنبه‌های زندگی انسان نقش اساسی دارد. این صنعت به دلیل اشتغال‌زایی، تولید مواد اولیه‌ی مصرفی گسترده و ارتباط آن با صنایع دیگر، تأثیر زیادی بر اقتصاد ملی دارد. صنعت نساجی یکی از هفت صنعت راهبردی در ایران است و با توجه به اینکه در دوره‌هایی بیش از دیگر صنایع مورد توجه قرار گرفته، این صنعت همچنان ظرفیت بالایی برای رشد دارد. با توجه به اهمیت روزافزون توسعه صنعتی و نیاز به جهش تولید در کشور، صنعت نساجی می‌تواند یکی از محورهای کلیدی در دستیابی به این اهداف باشد. صنعت نساجی در زمره بزرگترین، مهمترین و قدیمی‌ترین صنایع و جزو فعالیت‌های کم‌آب بر و پربازده جهان است که نقش تعیین‌کننده‌ای در رشد و شکوفایی صنعتی کشورهای توسعه‌یافته و اقتصادهای بزرگ دنیا ایفا نموده است، بگونه‌ای که کشورهای مذکور بخشی از موفقیت‌های خود را مدیون گسترش این صنعت در مراحل اولیه صنعتی شدن می‌دانند (سارکر و بارتکوک، ۲۰۲۴).

کاربر بودن، مرتبط بودن آن با تأمین یکی از نیازهای اساسی انسان و از همه مهمتر دانش فنی و تکنولوژی ساده برای ماشینی کردن تولید منسوجات از مهمترین خصوصیات این صنعت می‌باشد که سبب رشد اقتصادی و توسعه صنایع با تکنولوژی پیچیده تر را فراهم آورده است و همچنان به دلیل مزیت‌های اقتصادی و اجتماعی فوق‌العاده، بسیار مورد توجه اغلب کشورها قرار دارد. مزایای متنوع آن از جمله قدرت اشتغال‌زایی بالا، ارزآوری، تولید ثروت ملی، نیاز به سرمایه‌گذاری کمتر نسبت به سایر صنایع و ارزش افزوده بالا، موجب شده است که بسیاری از کشورها، صنعتی شدن خود را صرفاً از صنایع نساجی و پوشاک آغاز کنند و کماکان نیز در بخش‌های دانش‌بنیان و با ارزش افزوده بالا پیشرو باشند (خداوردی شمس، ۱۴۰۰).

پیشینه تجربی

بختیاری (۱۴۰۲) در تحقیقی با عنوان «توسعه متوازن و آمایش سرزمینی، الزامات و چالش‌ها» به بررسی مفاهیم توسعه و عدالت در برنامه‌ریزی‌های ملی، منطقه‌ای و محلی پرداختند و تأکید کردند که آمایش سرزمین به عنوان یک مفهوم محوری در توزیع امکانات و جمعیت بر اساس جغرافیا، اهمیت زیادی دارد. آمایش سرزمین که ترکیبی از اقتصاد، جغرافیا و جامعه‌شناسی است، شامل اقداماتی برای ساماندهی و نظام بخشی به فضای طبیعی، اجتماعی و اقتصادی در سطوح ملی و محلی است. این مقاله به تحلیل چالش‌ها و الزامات آمایش سرزمین می‌پردازد و بر اهمیت ایجاد تعادل میان سه عنصر انسان، فضا و فعالیت‌ها تأکید می‌کند. مقاله به بررسی عوامل تهدیدکننده و ضعف‌های موجود در آمایش سرزمین از دیدگاه محیط‌شناسی می‌پردازد. با استفاده از روش‌های علمی و مصاحبه با صاحب‌نظران، نویسنده به تحلیل داده‌ها و اطلاعات پرداخته و الزامات و راهکارهای برون‌رفت از چالش‌ها را ارائه می‌دهد. از جمله چالش‌های مطرح شده در مقاله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: عدم توجه به نارسایی‌ها (آمایش سرزمین باید به عنوان رویکردی مکمل در تمامی ابعاد توسعه عمل کند و نارسایی‌ها را برطرف کند)؛ عوامل تهدیدکننده (مقاله به بررسی تهدیدها و ضعف‌های موجود در حوزه آمایش سرزمین می‌پردازد که منشأ چالش‌ها هستند). نویسنده در پایان مقاله پیشنهادهایی برای دستیابی به توسعه متوازن ارائه می‌دهد که شامل الزامات و راهبردهایی برای بهبود وضعیت آمایش سرزمین در ایران است. این پیشنهادات می‌تواند به بهبود هماهنگی بین بخش‌های مختلف و بهبود توزیع امکانات و منابع کمک کند. زینلی و علیقلی (۱۴۰۲) در مقاله «بررسی عوامل، عناصر، موانع آمایش سرزمین» اشاره داشتند آمایش سرزمین در سیستم حرفه‌ای امروزی و دانشگاهی ایران تنها به برنامه ریزی فضایی در مقیاس ملی و منطقه‌ای اطلاق می‌شود. در واقع و در سیستم

حرفه ای جهانی، بخشی از مفهوم کلی برنامه ریزی شهری و منطقه ای به حساب می آید. آمایش سرزمین اشاره دارد به روش ها و رویکردهای استفاده شده توسط بخش خصوصی و عمومی به منظور اثرگذاری بر توزیع جمعیت و فعالیت ها در فضاها با مقیاس های گوناگون. آمایش سرزمین، ارزیابی نظام مند عوامل طبیعی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... به منظور یافتن راهی برای تشویق و کمک به جامعه بهره برداران در انتخاب گزینه هایی مناسب برای افزایش و پایداری توان سرزمینی در جهت برآورد نیازهای جامعه است. به بیانی دیگر، توزیع متوازن و هماهنگ جغرافیای کلیه فعالیت های اقتصادی-اجتماعی در پهنه سرزمین نسبت به قابلیت ها و منابع طبیعی و انسانی را آمایش سرزمین می گویند. از مهم ترین خصوصیات برنامه آمایش سرزمین جامع نگر، کیفیت و سازماندهی فضایی آن است. پایدارترین آرایشی که به سه مؤلفه مهم جمعیت-سرمایه-منابع طبیعی و محیطی یک منطقه یا سرزمین ختم می شود برنامه آمایش سرزمین نامیده می شود. سندی است که با توجه به اکوسیستم داخلی و بیرونی زمین و بر اساس میزان تأثیر و نقش آفرینی عوامل متعدد برای زندگی بهتر و تعامل بیشتر با طبیعت تنظیم می گردد. عوامل نقش آفرین می توانند زمین شناختی، آب و هوایی و قابلیت های اقلیمی منطقه باشند که شناخت و منظور نمودن آنها در برنامه ها می تواند در میزان تعامل جمعیت های انسانی با محیط در جهت برآورده کردن نیازهای حیاتی چون آب، هوا، غذا و نیازهای امنیتی و تاب آوری انسان در مقابل حوادث طبیعی مؤثر باشد. ثامنی و اسفندیار (۱۴۰۲) در مقاله «آسیب شناسی تحقق پذیر آمایش سرزمین در ایران نمونه موردی: دور چهارم مطالعات آمایش سرزمین» بیان کردند با اینکه قریب به نیم قرن از ورود مفهوم «آمایش سرزمین» به نظام برنامه ریزی ایران می گذرد، اما هنوز آمایش سرزمین در محاق پنج دسته چالش «معرفت شناسی»، «مشروعیت»، «روش شناسی و روش»، «محتوایی» و «تحقق پذیری» گرفتار بوده و امر «توسعه سرزمینی» نیز مستمرا از عدم تعادل ها و نابرابری های فزاینده، تعارضات بین بخشی و بین منطقه ای، تخریب منابع و اضمحلال فرصت های توسعه رنج می برد. چالش «تحقق پذیری» به عنوان یک حلقه مفقوده در نظام برنامه ریزی (و جریان آمایش سرزمین)، بی شک اساسی ترین، ملموس ترین و فراگیرترین این چالش ها بوده که به نحوی برون داد سایر چالش ها نیز است. (تحقق پذیری) نیز از جمله مفاهیم سهل و ممتنع بوده که تعریف مورد اجماعی در جامعه علمی ندارد. با این حال باید آن را مقوله ای فرایندی دانست که الزامات آن باید در هر سه مرحله «پیشاتدوین»، «در حین تدوین» و «پساتدوین» مورد توجه قرار گیرد؛ بنابراین در پژوهش حاضر، هدف اصلی تبیین مفهوم «تحقق پذیری» از یکسو و بررسی آسیب شناسانه تحقق پذیری دور چهارم مطالعات آمایش سرزمین در ایران با بهره گیری از روش پانل (مصاحبه عمیق با کارشناسان، صاحب نظران و دست اندرکاران موضوع) از سوی دیگر است. نتایج نشان می دهد آسیب های مختلفی در هر سه ساحت پیشاتدوین (ساختاری - نهادی، قانونی و مدیریتی)، تدوین (مفهوم شناختی، روش شناختی و سازوکار تدوین) و پساتدوین (فرایندهای تصویب، اجرا و نظارت) بر جریان آمایش سرزمین مترتب بوده که تقریبا در دوره های پیشین نیز کم و بیش وجود داشته و سبب تداوم اختلال در تحقق پذیری آمایش سرزمین شده است.

پورحیدری و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله «چشم انداز سند ملی آمایش سرزمین به منظور بررسی و واکاوی اهداف اجرایی مصوبات این سند» به تحلیل و بررسی وضعیت اجرایی سند ملی آمایش سرزمین در ایران می پردازد. با توجه به اهمیت آمایش سرزمین و گذشت بیش از یک سال از تصویب و ابلاغ این سند در اسفند ۱۳۹۹، مقاله به بررسی چالش ها و وضعیت اجرای مصوبات آن در دستگاه های مجری می پردازد. سوال اصلی این است که شرایط بازیگران و مجریان مرتبط با اجرای سند چگونه خواهد بود. این پژوهش با رویکرد بازیگرمحور و با استفاده از روش های اکتشافی و خبرهمحور انجام شده است. داده ها از طریق پرسشنامه ای که ۳۴ نفر از خبرگان حوزه آمایش سرزمین آن را تکمیل کردند، جمع آوری شده است. تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار آینده پژوهی مکتور انجام شده است. نتایج نشان می دهد که از ۲۳ بازیگر اولیه مؤثر در اجرای سند، ۱۳ بازیگر به عنوان بازیگر اصلی انتخاب شده اند. با این حال، عزم و اراده

جدی برای اجرای سند ملی آمایش سرزمین در میان این بازیگران مشاهده نمی‌شود؛ به عبارت دیگر، الزام‌آوری مفاد سند و توانایی دستگاه‌های نظارتی به حدی نیست که بازیگران اصلی را ملزم به تمکین کند. مقاله پیش‌بینی می‌کند که اجرای سند با چالش‌های اساسی از سوی نهادها و بازیگران مواجه خواهد شد. برای حل این مشکلات، نیاز است که نهاد متولی (سازمان برنامه و بودجه و شورای عالی آمایش) با پیگیری‌های جدی و ایجاد ارتباط موثر بین بازیگران، زمینه‌ساز عزم ملی برای اجرای هر چه سریع‌تر سند ملی آمایش سرزمین شود.

مارسون (۲۰۲۳) در مقاله «چشم‌انداز آمایش سرزمینی: شواهدی در مورد مسائل روش شناختی و چالش‌های سیاسی» به بررسی نقش منظر در آمایش سرزمینی و چالش‌های مرتبط با آن می‌پردازد. هدف این مقاله تحلیل و ارزیابی چالش‌های روش شناختی و سیاسی در آمایش سرزمینی با تمرکز بر منظر است. مارسون به بررسی این موضوع می‌پردازد که چگونه منظر می‌تواند به عنوان یک عنصر کلیدی در بهبود آمایش سرزمینی عمل کند. مقاله نشان می‌دهد که در دهه‌های اخیر، منظر به عنوان یک عامل جدید در تجدید نظر در آمایش سرزمینی مطرح شده است. با این حال، این روند با چالش‌های متعددی همراه است، از جمله: مسائل روش شناختی که بیانگر چالش‌ها در نحوه برخورد با جنبه‌های غیرعملکردی و حساس در ابزارها و رویه‌های برنامه‌ریزی فضایی است. چالش‌های سیاسی که نیاز به طراحی سیاست‌هایی که بتواند به طور مؤثر به نیازهای جمعی و منافع عمومی پاسخ دهند. مارسون با اشاره به تجربیات ایتالیا در زمینه برنامه‌ریزی منظر، به شناسایی مسائل اصلی پرداخته و به چالش‌های موجود در این زمینه اشاره می‌کند. او تأکید می‌کند که برنامه‌ریزی منظر باید به گونه‌ای طراحی شود که شامل مشارکت فعال جامعه و ذینفعان باشد. نویسنده در پایان نتیجه‌گیری می‌کند که برای موفقیت در برنامه‌ریزی فضایی مبتنی بر منظر، نیاز به نوآوری در فرآیندها و محتوا وجود دارد. همچنین، تغییرات در زمینه سیاست‌ها و چارچوب‌های نهادی ضروری است تا بتوان به اهداف توسعه پایدار و بهبود کیفیت زندگی در جوامع دست یافت. نتکوپ (۲۰۲۳) در مقاله «بهینه‌سازی بهره‌وری صنعتی از طریق سازماندهی آمایش سرزمین نوآورانه در کارخانه‌های تولید پوشاک» به بررسی تأثیر سازماندهی آمایش سرزمین نوآورانه بر بهینه‌سازی بهره‌وری صنعتی، به ویژه در کارخانه‌های پردازش پوشاک می‌پردازد. هدف اصلی این مقاله بررسی چگونگی تأثیر سازماندهی آمایش سرزمین بر کارایی عملیاتی و بهره‌وری در کارخانه‌های پوشاک است. نویسنده به این نکته اشاره می‌کند که چیدمان سنتی کارخانه‌ها معمولاً تأثیر طراحی فضایی بر کارایی عملیاتی را نادیده می‌گیرد. مقاله به بررسی اصول کلیدی سازماندهی آمایش سرزمین می‌پردازد که می‌تواند جریان کار و خروجی واحدهای پردازش پوشاک را متحول کند. نویسنده همچنین به تأثیرات اقتصادی بهبود بهره‌وری، از جمله افزایش ظرفیت تولید، صرفه‌جویی در هزینه‌ها و موقعیت رقابتی بهتر در بازار اشاره می‌کند. این مقاله به اهمیت سازماندهی آمایش سرزمین نوآورانه در افزایش بهره‌وری صنعتی تأکید می‌کند و به ذینفعان در صنعت پوشاک بینش‌های ارزشمندی برای بهبود عملکرد و سازگاری با تغییرات در محیط تولید ارائه می‌دهد. با ایجاد یک رابطه هم‌افزایی بین سازماندهی آمایش سرزمین و کارایی صنعتی، مقاله به دنبال ارتقاء عملکرد کارخانه‌های پردازش پوشاک در دنیای تولید صنعتی است. فان و همکاران (۲۰۲۱) در مقاله «چارچوب ارزیابی پیاده‌سازی آمایش سرزمین بوم‌شناختی بر اساس داده‌های چند بعدی: مطالعه موردی در جنگلداری چین» اشاره داشتند با پیشرفت‌های مداوم در شهرنشینی جهانی و مشکلات جدی اکولوژیکی، حفاظت از فضای اکولوژیک به یکی از دغدغه‌های اصلی برنامه‌ریزی شهری تبدیل شده است. مقاله به کمبود استانداردها برای ارزیابی و بازرسی اجرای آمایش سرزمین اکولوژیک اشاره می‌کند و بیان می‌کند که روش‌های ارزیابی سنتی دارای معایب قابل توجهی از جمله کارایی پایین و دقت ناکافی هستند. نویسندگان یک چارچوب ارزیابی برای اجرای آمایش سرزمین اکولوژیک ارائه می‌دهند که شامل چهار بعد اصلی است: کنترل شاخص‌های اکولوژیک، تکامل فرم فضایی، کنترل ذخایر اکولوژیک و اجرای سیاست‌ها. برای آزمایش قابلیت عملی این چارچوب،

اجرای آمایش سرزمین اکولوژیک در سه شهر پکن، شانگهای و گوانگژو که دارای فرآیندهای سریع شهرنشینی هستند، مورد تحلیل و مقایسه قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد که گوانگژو بهترین عملکرد در اجرای برنامه‌ریزی را دارد، در حالی که پکن در رتبه دوم و شانگهای با فاصله زیادی در رتبه سوم قرار دارد. این مقاله چارچوبی چندبعدی و جامع برای ارزیابی اجرای آمایش سرزمین اکولوژیک ارائه می‌دهد و به عنوان مرجع مفیدی برای ارزیابی مناطق در حال شهرنشینی سریع در سطح جهانی به شمار می‌آید. کیسلینگ و پوتز (۲۰۲۱) در مقاله «ارزیابی پیامدهای آمایش سرزمینی-چارچوبی جدید بر اساس انطباق و ظرفیت های حاکمیتی» به ارائه یک چارچوب کیفی نوآورانه برای ارزیابی نتایج آمایش سرزمینی می‌پردازد که هدف آن درک این موضوع است که چرا نتایج با قصد و نیت ابزارهای آمایش سرزمینی مطابقت دارند یا از آن منحرف می‌شوند. این چارچوب نوآورانه، دیدگاه انطباق را با تحقیقات حکمرانی پیوند می‌دهد. نویسندگان این چارچوب تحلیلی را در شش شهرداری سوئیس و آلمان آزمایش کرده‌اند. با استفاده از مصاحبه‌ها، مشاهدات و اسناد برنامه‌ریزی، یافته‌های آنها نشان می‌دهد که چه عواملی به طور قطعی بر نتایج آمایش سرزمینی تأثیر می‌گذارند. همچنین یافته‌های آنها نشان می‌دهد که انطباق بالا لزوماً به معنای موفقیت آمایش سرزمینی نیست. ارزیابی کیفی نتایج به موفقیت و شکست آمایش سرزمینی کمک می‌کند و در نتیجه اجرای ابزارها و شیوه‌های برنامه‌ریزی را بهبود می‌بخشد. با تمرکز بر پیاده‌سازی محلی ابزارهای آمایش سرزمینی فرامحلی در شهرداری‌های کوچک خارج از شهرهای بزرگ در سوئیس و آلمان، یافته‌ها نشان می‌دهد که این چارچوب تحلیلی برای توضیح انطباق‌ها و انحرافات بین نیت‌ها و نتایج برنامه‌ریزی مناسب است. همچنین، این چارچوب به پژوهشگران و مجریان این امکان را می‌دهد که عوامل مؤثر کلیدی را شناسایی کرده و نقاط قوت و ضعف فرآیندهای اجرایی آمایش سرزمینی را مشخص کنند. در نهایت، مقاله تأکید می‌کند که ادغام دیدگاه انطباق و حکمرانی منطقه‌ای در یک طرح ارزیابی می‌تواند به بهبود درک از فرآیندهای خاص حکمرانی در توسعه و اجرای آمایش سرزمینی کمک کند.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کمی و به روش اکتشافی انجام شده که شامل مراحل دلفی و پیمایش است. در بخش دلفی، از پرسشنامه دلفی استفاده شده است. مشارکت کنندگان در بخش دلفی شامل خبرگان صنعت نساجی، متخصصان آمایش سرزمین و مدیران ارشد مرتبط هستند. روش نمونه‌گیری هدفمند برای انتخاب نمونه‌ها است. برای تضمین روایی و اعتبار داده‌های بخش دلفی، از ضریب کندال، ملاحظات اخلاقی مانند حفظ محرمانگی اطلاعات، دریافت رضایت و بررسی مجدد کدخبرگان‌ها رعایت شده است. در بخش پیمایش این پژوهش، روش شناسی با هدف تعیین و تحلیل الگوهای روابط و اعتبارسنجی مدل کیفی ارائه‌شده، به کار گرفته شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی، از جمله میانگین، انحراف معیار و مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM)، انجام شد. جامعه آماری شامل مدیران و کارشناسان صنعت نساجی، برنامه‌ریزان آمایش سرزمین و مسئولان دولتی مرتبط بوده و نمونه‌گیری به صورت تصادفی طبقه‌ای با حجم ۳۸۴ نفر صورت گرفت. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه‌ای محقق‌ساخته بود که با مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت طراحی شد. روایی و پایایی پرسشنامه از طریق روش‌های معتبر ارزیابی شد و نتایج نشان‌دهنده‌ی اعتبار بالا و قابلیت اعتماد پرسشنامه بود. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و Smart PLS انجام شد و ملاحظات اخلاقی در تمام مراحل پژوهش رعایت گردید.

یافته های پژوهش

تجزیه و تحلیل فن دلفی

در این تحقیق، پس از تعریف موضوع، ۱۲ خبره با دانش و تجربه مربوطه شناسایی و انتخاب شدند.

توصیف ویژگی های جمعیت شناختی خبرگان

برای دستیابی به حداکثر اجماع و مدل با کیفیت بالا، یک گروه متنوع از خبرگان تشکیل شد. اطلاعات جدول نمایانگر ویژگی های جمعیت شناختی خبرگان در فن دلفی است.

جدول ۳: ویژگی های جمعیت شناختی خبرگان در تکنیک دلفی

جنسیت	تعداد	درصد فراوانی	مرتبۀ علمی	تعداد	درصد فراوانی
مرد	۸	۶۷٪	استادیار	۴	۳۳٪
زن	۴	۳۳٪	دانشیار	۵	۴۲٪
			استاد تمام	۳	۲۵٪
سن	تعداد	درصد فراوانی	سابقه تدریس	تعداد	درصد فراوانی
کمتر از ۴۰ سال	۱	۸٪	کمتر از ۵ سال	۱	۸٪
بین ۴۰ تا ۵۰ سال	۳	۲۵٪	بین ۵ تا ۱۵ سال	۳	۲۵٪
بین ۵۱ تا ۶۰ سال	۵	۴۲٪	بین ۱۵ تا ۲۵ سال	۷	۵۸٪
بین ۶۱ تا ۷۰ سال	۳	۲۵٪	بیشتر از ۲۵ سال	۱	۸٪
مقالات پژوهشی	تعداد	درصد فراوانی	عضو هیئت علمی	تعداد	درصد فراوانی
کمتر از ۱۰ مقاله	۱	۸٪	دانشگاه های دولتی	۸	۶۷٪
بین ۱۰ تا ۲۰ مقاله	۵	۴۲٪	دانشگاه آزاد اسلامی	۳	۲۵٪
بیشتر از ۲۰ مقاله	۶	۵۰٪	دانشگاه پیام نور	۱	۸٪

تحلیل پیامدهای ناشی از ارزیابی آمایش سرزمین در صنعت نساجی

همانگونه که اشاره شد؛ از ادبیات نظری پیامدهای ناشی از ارزیابی آمایش سرزمین در صنعت نساجی در ۵ دسته تعادل منطقه ای و توسعه پایدار؛ یکپارچگی سرزمینی؛ حفاظت محیط زیست ساختاردهی شد و در راند اول دلفی توسط خبرگان مورد ارزیابی قرار گرفت. در ادامه هر کدام از سه دسته متناسب با سطوح میانگین برای ماندن در مدل و یا حذف از مدل تصمیم گیری میشود. جدول ۴ بیانگر پیامدهای ناشی از ارزیابی آمایش سرزمین صنعت نساجی است که با توجه به سطوح میانگین ها، هر کدام از میانگین ها که کمتر از ۳,۷۵ بوده اند از راند اول حذف می شوند.

جدول ۴: نتایج دور اول اعتبارسنجی دلفی برای پیامدهای ارزیابی آمایش سرزمین در صنعت نساجی

مؤلفه ها	شاخص های ارزیابی	توصیف شاخص های مورد سنجش	میانگین	انحراف معیار	نتیجه گیری
	توسعه زیرساخت های منطقه ای	بهبود و گسترش زیرساخت های مورد نیاز برای رشد صنعت نساجی در مناطق مختلف	۴,۱۷	۰,۷۱۸	پذیرش - انتقال به راند دوم
تعادل منطقه ای و توسعه پایدار	کاهش نابرابری منطقه ای	کاهش تفاوت های اقتصادی و اجتماعی بین مناطق مختلف در اثر توسعه متوازن	۴,۴۲	۰,۶۶۹	پذیرش - انتقال به راند دوم
	توسعه ظرفیت های تولید محلی	ارتقاء تولیدات محلی و کاهش وابستگی به واردات	۴,۰۰	۰,۸۵۳	پذیرش - انتقال به راند دوم
یکپارچگی سرزمینی	ترویج حس تعلق به سرزمین	تقویت هویت و حس تعلق مردم به منطقه و کشور	۴,۰۸	۰,۷۹۳	پذیرش - انتقال به راند دوم
	تثبیت امنیت سرزمینی	افزایش امنیت و انسجام سرزمینی با جلوگیری از پراکندگی فعالیت ها	۴,۰۰	۰,۸۵۳	پذیرش - انتقال به راند دوم
	کاهش آلودگی محیط زیست	کاهش میزان آلاینده ها و حفظ کیفیت محیط زیست	۴,۱۷	۰,۵۷۷	پذیرش - انتقال به راند دوم
حفاظت محیط زیست	حفاظت از تنوع زیستی	محافظت از گونه های زیستی و کاهش آسیب به اکوسیستم ها	۴,۵۸	۰,۶۶۹	پذیرش - انتقال به راند دوم
	توسعه صنایع سبز	ایجاد و تقویت صنایع با کمترین تاثیر منفی بر محیط زیست	۴,۶۷	۰,۴۹۲	پذیرش - انتقال به راند دوم
افزایش کارآیی و بهره وری صنعتی	بهبود مدیریت منابع	استفاده کارآمدتر از مواد اولیه و منابع در تولید	۴,۴۲	۰,۹۰۰	پذیرش - انتقال به راند دوم
	افزایش کیفیت تولیدات	ارتقاء کیفیت محصولات تولیدی و افزایش رقابت پذیری در بازار	۴,۵۰	۰,۹۰۵	پذیرش - انتقال به راند دوم
بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی	ایجاد فرصت های شغلی محلی	ایجاد شغل های جدید و کاهش نرخ بیکاری در مناطق هدف	۵,۰۰	۰,۰۰۰	پذیرش - انتقال به راند دوم
	ارتقاء سطح رفاه اجتماعی	بهبود کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی در جامعه هدف	۴,۷۵	۰,۴۵۲	پذیرش - انتقال به راند دوم

مؤلفه ها	شاخص های ارزیابی	توصیف شاخص های مورد سنجش	میانگین	انحراف معیار	نتیجه گیری
Test Statistics					
	12	N			
	.572	Kendall's W ^a	نتایج نشان می دهد که ارتباط معنی داری میان میانگین های مورد مطالعه وجود دارد؛		
	35.93	Chi- Square	به عبارت دیگر، تفاوت های معنی داری بین میانگین ها به طور آماری تائید شد.		
	1	df			
	.000	Asymp. Sig.			

همان گونه که مشاهده می شود؛ همه پیامدهای ارزیابی آمایش سرزمین در صنعت نساجی از میانگین قابل قبولی برخوردار است؛ به همین منظور همه شاخص ها شرط لازم را برای ورود به مرحله بعد دارا هستند.

دور اول دلفی برای اجماع خبرگان

مرحله اول روش دلفی با طراحی پرسشنامه لیکرت و جمع آوری نظرات خبرگان برای اعتبارسنجی مؤلفه ها و شاخص های آمایش سرزمین انجام شد. شاخص ها شامل شرایط اقلیمی، نیازهای جامعه، سرمایه گذاری، دانش فنی، و عوامل اجرایی و مدیریتی بودند. پیامدهای آمایش سرزمین شامل تعادل منطقه ای، توسعه پایدار و حفاظت محیط زیست بود. عوامل مؤثر در ارزیابی صنعت نساجی شامل نیروی متخصص، نظام تشکیلاتی مستقل، خرد جمعی، و توسعه دانش فنی و مشارکت اجتماعی بود.

دور دوم دلفی برای اجماع خبرگان

در دور دوم دلفی بعد از اعمال تغییرات، مورد تائید خبرگان قرار گرفت و نتایج انحراف معیارها نیز نشانگر آن است که میزان اجماع بین اعضای پانل دلفی در خصوص این مفاهیم ارتقاء یافته است. با توجه به آنکه مقدار آماره کای دو در آزمون کندال (ضریب توافق W) در سطح خطای کوچک تر از ۰,۰۵ معنی دار است؛ بنابراین با اطمینان ۹۵٪ می توان بیان داشت که تفاوت میانگین رتبه ها معنی دار می باشد. پس می توان به صورت کلی اجماع میان نظرات خبرگان را در خصوص همه مفاهیم در مرحله دوم پذیرفت؛ بنابراین با توجه دستیابی به اجماع کلی در دور دوم دلفی از ورود به دور سوم خودداری می شود.

پیمایش در جامعه آماری (صنعت نساجی)

اطلاعات جمعیت شناختی پاسخ دهندگان

در این پژوهش ۳۸۸ نفر از مدیران و کارشناسان صنعت نساجی، برنامه ریزان آمایش سرزمین و مسئولان دولتی مرتبط مورد نظر سنجی قرار گرفتند. بدین جهت اطلاعات جمعیت شناختی پاسخ دهندگان شامل (سن، جنسیت، جایگاه شغلی، حوزه تخصص، سابقه، تحصیلات) است که یک نمونه آن (حوزه تخصصی) در جدول زیر نمایش داده شده است.

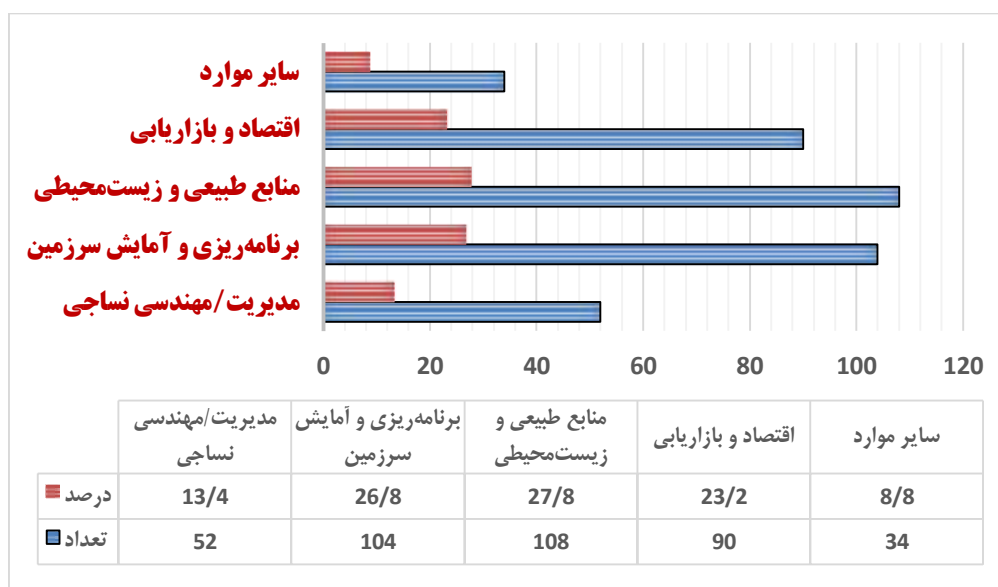
حوزه تخصصی افراد مورد مطالعه

نتایج جدول ۵ توزیع تخصصی پاسخ‌دهندگان نشان می‌دهد که بیشترین تعداد پاسخ‌دهندگان (۲۷٫۸٪ یا ۱۰۸ نفر) در حوزه منابع طبیعی و زیست‌محیطی تخصص دارند، که اهمیت مسائل زیست‌محیطی در ارزیابی آمایش سرزمین برای صنعت نساجی را نمایان می‌کند. پس از آن، ۲۶٫۸٪ (۱۰۴ نفر) در حوزه برنامه‌ریزی و آمایش سرزمین حضور دارند که تخصص آن‌ها با اهداف پژوهش همخوانی دارد. ۱۳٫۴٪ (۵۲ نفر) در حوزه مدیریت و مهندسی نساجی فعالیت می‌کنند و ۲۳٫۲٪ (۹۰ نفر) در زمینه اقتصاد و بازاریابی تخصص دارند. همچنین ۸٫۸٪ (۳۴ نفر) در سایر حوزه‌های تخصصی فعالیت می‌کنند. این تنوع تخصصی به غنای مدل ارزیابی آمایش سرزمین کمک می‌کند و آن را جامع‌تر می‌سازد.

جدول ۵: توزیع فراوانی و درصد فراوانی حوزه تخصصی پاسخ‌دهندگان

	Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
مدیریت/مهندسی نساجی	52	13.4	13.4	13.4
برنامه‌ریزی و آمایش سرزمین	104	26.8	26.8	40.2
منابع طبیعی و زیست‌محیطی	108	27.8	27.8	68.0
اقتصاد و بازاریابی	90	23.2	23.2	91.2
سایر موارد	34	8.8	8.8	100.0
Total	388	100.0	100.0	

شکل ۲. نمودار میله ای حوزه تخصصی افراد مورد مطالعه بر مبنای درصد فراوانی نشان می‌دهد.



شکل ۲: نمودار میله ای حوزه تخصصی افراد مورد مطالعه

آمار توصیفی و استنباطی متغیرهای پژوهش

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در جامعه مورد مطالعه

آمار توصیفی وضعیت متغیرهای پژوهش نشان می‌دهد که هفت بعد اصلی مدل آمایش سرزمین اهمیت زیادی در ارزیابی‌ها دارند. این ابعاد شامل شرایط اقلیمی، نیازهای جامعه، سرمایه‌گذاری و بازاریابی، دانش فنی و تکنولوژی، عوامل اجرایی، مدیریتی و قانونی، و عوامل اقتصادی-اجتماعی هستند. از جمله مهم‌ترین یافته‌ها:

۱. شرایط اقلیمی و نوع آب و هوا با میانگین ۴,۱۰ نشان‌دهنده اهمیت بالای این مولفه است، با توزیع تقریباً متقارن و کشیدگی بالا.
 ۲. نیازهای جامعه و گرایش‌های مصرف با میانگین ۴,۱۶ اهمیت زیادی دارند، با گرایش به نمرات بالاتر و توزیع متمرکز.
 ۳. سرمایه‌گذاری، بازاریابی و بازار مصرف نیز با میانگین ۴,۱۳ به‌عنوان بعدی کلیدی ارزیابی می‌شود.
 ۴. دانش فنی و تکنولوژی با میانگین ۳,۹۹ اهمیت کمتری نسبت به سایر ابعاد دارد، نشان‌دهنده تنوع نظرات در این زمینه.
 ۵. عوامل اجرایی و مدیریتی با میانگین‌های مشابه و کشیدگی بالا، نشان‌دهنده توافق قوی در اهمیت این عوامل است.
- در مجموع، شرایط اقلیمی، نیازهای جامعه، و سرمایه‌گذاری از نظر پاسخ‌دهندگان مهم‌ترین ابعاد ارزیابی آمایش سرزمین بوده‌اند، در حالی که اهمیت تکنولوژی نسبت به سایر ابعاد کمتر بوده است.

جدول ۶: آمار توصیفی و تحلیل وضعیت متغیرهای پژوهش در جامعه آماری

	N	Minimum	Maximum	Mean	Std. Deviation	Variance	Skewness	Kurtosis
شرایط اقلیمی - نوع آب و هوا	388	1.67	5.00	4.1027	.54008	.292	-.627	1.241
نیازهای جامعه - گرایش های مصرف	388	1.33	5.00	4.1581	.66769	.446	-.966	1.463
سرمایه گذاری - بازاریابی - بازار مصرف	388	1.33	5.00	4.1289	.69945	.489	-.931	1.251
دانش فنی - تکنولوژی	388	1.80	5.00	3.9851	.53128	.282	-.403	.862
عوامل اجرایی	388	1.00	5.00	4.0739	.61151	.374	-1.301	4.319
عوامل مدیریتی و قانونی	388	2.00	5.00	4.1263	.62193	.387	-.642	.352
عوامل اقتصادی - اجتماعی	388	1.40	5.00	4.0722	.63535	.404	-.617	.687
ظرفیت های نهادی و دانشی	388	2.00	5.00	3.8608	.63994	.410	-.375	.077
ظرفیت های ساختاری و اجرائی	388	1.25	5.00	4.0812	.67114	.450	-.734	.842
تعادل منطقه ای و توسعه پایدار	388	1.67	5.00	3.9631	.75020	.563	-.588	.060
یکپارچگی سرزمینی	388	2.00	5.00	4.0576	.66568	.443	-.496	-.218
حفاظت محیط زیست	388	2.00	5.00	4.0576	.65393	.428	-.449	-.281
افزایش کارآیی و بهره وری صنعتی	388	1.00	5.00	4.2539	.74837	.560	-1.123	1.709
بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی	388	2.00	5.00	4.2732	.66091	.437	-.692	-.133

تحلیل توصیفی نشان می‌دهد که ظرفیت‌های نهادی و دانشی با میانگین ۳,۸۶ از اهمیت کمتری نسبت به ظرفیت‌های ساختاری و اجرائی با میانگین ۴,۰۸ برخوردارند، که نشان‌دهنده توجه بیشتر به زیرساخت‌ها و منابع فیزیکی است. توزیع داده‌ها در هر دو مولفه پراکنده است، با این حال، ظرفیت‌های ساختاری و اجرائی همگرایی بیشتری دارند. در بخش پیامدها، مولفه‌های بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی (۴,۲۷) و افزایش کارآیی صنعتی (۴,۲۵) بالاترین اهمیت را دارند، که نشان‌دهنده تأثیر مثبت آمایش سرزمین بر رشد و بهره‌وری صنعت نساجی است. همچنین، یکپارچگی سرزمینی (۴,۰۶) و حفاظت محیط زیست تأکید بر تقویت همبستگی مناطق دارند.

آمار استنباطی آزمون نرمال بودن داده‌های پرسشنامه

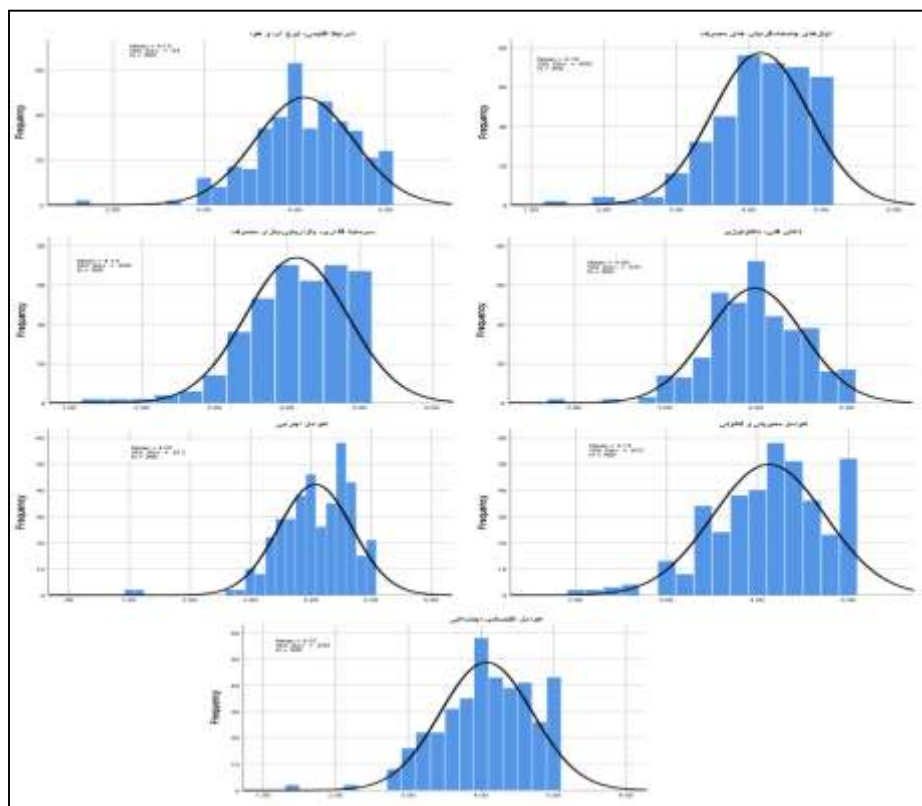
برای بررسی نرمال بودن متغیرها در این تحقیق از سه تکنیک استفاده شده است؛ ابتدا توزیع داده‌ها بر اساس نمودارهای هیستوگرام بررسی شده؛ سپس آزمون‌های آماری کلموگروف اسمیرنوف^۲ و شاپیرو ویلک^۳ انجام شده است و نهایتاً از نمودارهای (Q-Q Plot) نیز بهره گرفته شده است.

توزیع داده‌ها برای ابعاد و مولفه‌های مدل ارزیابی بر اساس هیستوگرام نرمالیت:

یکی از مباحث مهم در تحقیق‌های کمی مبتنی بر پرسشنامه بررسی نحوه توزیع داده‌ها است تا روش‌های مناسبی برای آزمودن گویه‌ها و سازه‌ها انتخاب کرد. شیوه‌های مختلفی در این زمینه مطرح شده است. بررسی نمودارهای هیستوگرام مانند چولگی و کشیدگی معیارهای خوبی برای بررسی نحوه توزیع داده‌ها هستند. اگرچه در توصیف متغیرهای تحقیق مشخص شد که داده‌ها از توزیع نرمال برخوردار هستند؛ اما نمودارهای هیستوگرامی در ادامه بررسی شده است. شکل ۴ توزیع داده‌ها برای ابعاد و مولفه‌های مدل ارزیابی آمایش سرزمین را نشان می‌دهد. با بررسی دقیق نمودارهای هیستوگرام، می‌توان استدلال کرد که داده‌ها از توزیع نرمال انحراف دارند. در اکثر نمودارها، شکل توزیع از منحنی زنگوله‌ای کامل فاصله دارد. این ناهمگونی‌ها و انحرافات در مجموع نشان می‌دهند که داده‌ها احتمالاً از توزیع غیرنرمال پیروی می‌کنند و برای تحلیل‌های آماری باید از روش‌های مناسب برای داده‌های غیرنرمال استفاده شود.

^۲ Kolmogorov-Smirnov test

^۳ Shapiro-Wilk Test



شکل ۳: توزیع داده‌ها برای ابعاد و مولفه های مدل ارزیابی آمایش سرزمین

تحلیل مدل اندازه گیری تحقیق (خروجی نرم افزار PLS)

اسمارت پی ال اس نرم افزاری آماری، با رابط کاربری گرافیکی است که برای مدل سازی معادلات ساختاری با روش کمترین مربعات جزئی^۴ استفاده می شود. مدل معادلات ساختاری دارای ۲ مدل اندازه گیری و ساختاری است. در مدل اندازه گیری به بررسی روایی سازه مدل و اندازه گیری بارهای عاملی پرداخته میشود؛ در حالی که در مدل ساختاری روابط بین سازه های مکنون بررسی میشود. مدل اندازه گیری روابط میان متغیرهای پنهان و گویه های مشاهده شده را می سنجد. تحلیل عاملی تاییدی شامل مدل اندازه گیری است. مدل اندازه گیری، مشخص می کند که چگونه متغیرهای نهفته در قالب تعداد بیش تری متغیرهای قابل مشاهده، سنجش شده اند.

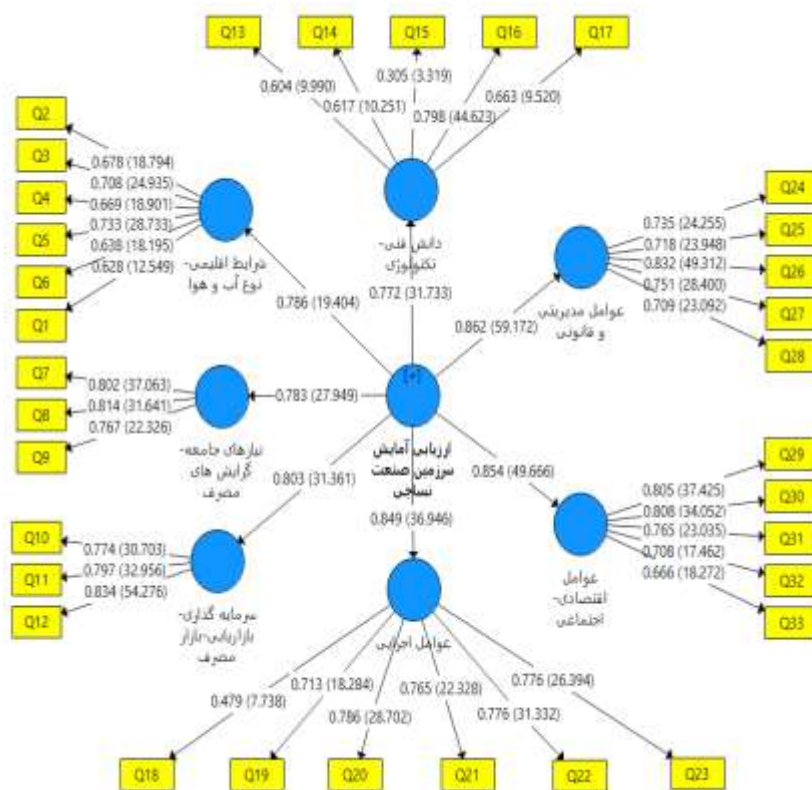
تحلیل عاملی تاییدی ابعاد و مولفه های ارزیابی آمایش سرزمین

شکل ۴ ضرایب بارعاملی و ضرایب معناداری را برای مدل اندازه گیری ابعاد و مولفه های ارزیابی آمایش سرزمین نشان می دهد. همانگونه که از ضرایب بار عاملی درج شده بر روی خطوط متصل به سوالات مشخص است، همه شاخص ها دارای بارهای عاملی بیش

^۴ partial least squares

^۵ Measurement Model

از ۰,۵ بوده و بارهای مربوط به ضرایب معناداری نیز بیشتر از ۱,۹۶ شده است. از این رو ساختار عاملی این مقیاس برازش مناسبی دارد و این بیانگر همسویی سؤالات با متغیرهای ابعاد و مولفه های ارزیابی آمایش سرزمین است.



شکل ۴: ضرایب بارعاملی و ضرایب معناداری برای مدل اندازه گیری ابعاد و مولفه های ارزیابی آمایش

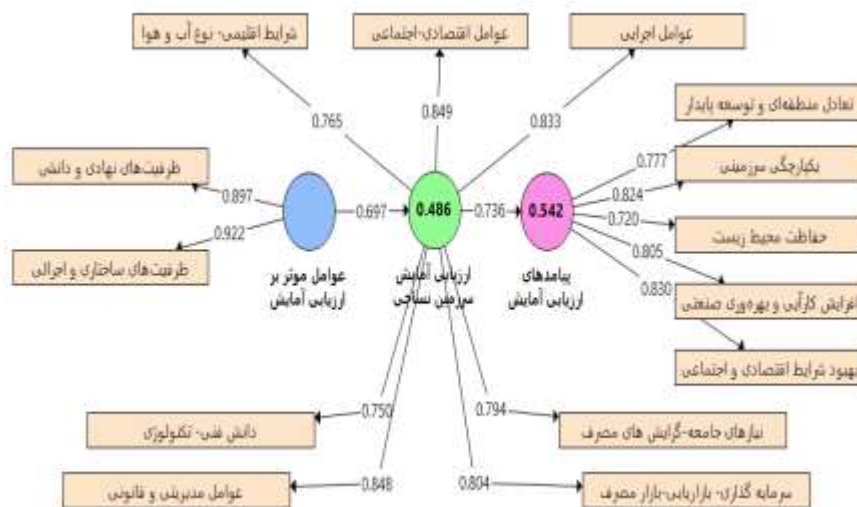
جدول ۷ نتایج تحلیل مدل اندازه گیری ابعاد و مولفه های ارزیابی را نمایش می دهد که در آن ضرایب بارعاملی (Original Sample) و آماره های مربوط به معناداری هر مولفه به تفکیک آمده است. در بخش شرایط اقلیمی-نوع آب و هوا، تمامی شاخص ها مانند بومی سازی اقلیمی، پایداری منابع آب، ریسک های اقلیمی و سایر شاخص ها با ضرایب بارعاملی بالای ۰,۶، آماره های T بیشتر از ۱,۹۶ و مقادیر p کمتر از ۰,۰۵ نشان دهنده اهمیت و تأثیرگذاری بالا در این ابعاد هستند. به ویژه شاخص تناسب اقلیمی برای کشت الیاف با ضریب بارعاملی ۰,۷۳۳ و آماره T برابر با ۲۸,۷۳۳، بیشترین تأثیر را در این مولفه دارد. در بخش نیازهای جامعه-گرایش های مصرف، شاخص هایی مانند تحلیل سبک زندگی جامعه، کیفیت و دوام محصولات و محصولات سازگار با محیط زیست با ضرایب بارعاملی بالای ۰,۷۵ و آماره های T بیش از ۲۰ نشان دهنده اهمیت این ابعاد در ارزیابی مدل هستند. این مولفه ها ارتباط مستقیمی با خواسته ها و نیازهای مصرف کنندگان دارند که در تحلیل های اجتماعی و بازار باید مدنظر قرار گیرند. در نهایت، در بخش های مختلف سرمایه گذاری، بازاریابی، دانش فنی، عوامل اجرایی و مدیریتی نیز تمامی شاخص ها با توجه به مقادیر آماره T و p-value کمتر از ۰,۰۵، نشان دهنده معناداری و تأثیرگذاری بالای این عوامل در ارزیابی مدل هستند. به ویژه شاخص های تحلیل بازار مصرف و قابلیت اجرای مصوبات قانونی با ضرایب بارعاملی ۰,۸۳۴ و ۰,۸۳۲ و آماره T بیش از ۴۰ از اهمیت بیشتری برخوردارند.

جدول ۷: ضرایب بارعاملی و معناداری برای مدل اندازه گیری ابعاد و مولفه های ارزیابی

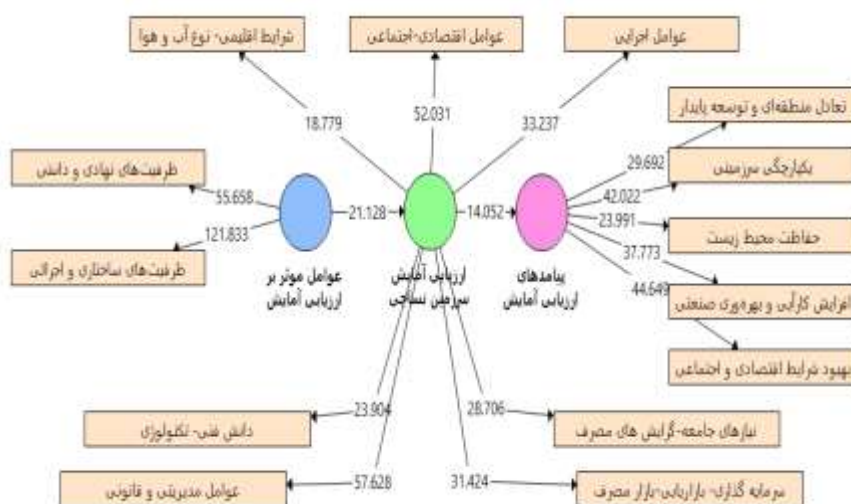
P Values	T Statistics (O/STDEV)	Standard Deviation (STDEV)	Original Sample (O)	شاخص های ارزیابی	شماره سوال	مولفه ها
0.000	12.549	0.05	0.628	بومی سازی اقلیمی	Q1	شرایط اقلیمی - نوع آب و هوا
0.000	18.794	0.036	0.678	پایداری منابع آب	Q2	
0.000	24.935	0.028	0.708	ریسک های اقلیمی	Q3	
0.000	18.901	0.035	0.669	آلودگی هوا و آلاینده های صنعتی	Q4	
0.000	28.733	0.026	0.733	تناسب اقلیمی برای کشت الیاف	Q5	
0.000	18.195	0.035	0.638	تحلیل الگوهای بارش	Q6	
0.000	37.063	0.022	0.802	تحلیل سبک زندگی جامعه	Q7	نیازهای جامعه -
0.000	31.641	0.026	0.814	کیفیت و دوام محصولات	Q8	گرایش های مصرف
0.000	22.326	0.034	0.767	محصولات سازگار با محیط زیست	Q9	
0.000	30.703	0.025	0.774	سرمایه گذاری	Q10	
0.000	32.956	0.024	0.797	بازاریابی رقابتی	Q11	گذاری -
0.000	54.276	0.015	0.834	تحلیل بازار مصرف	Q12	بازاریابی - بازار مصرف
0.000	9.99	0.06	0.604	خودکار سازی و اتوماسیون تولید	Q13	دانش فنی - تکنولوژی
0.000	10.251	0.06	0.617	انتقال فناوری و دانش فنی	Q14	
0.001	3.319	0.092	0.305	سطح مهارت و آموزش نیروی کار	Q15	
0.000	44.623	0.018	0.798	درک مشترک از توسعه فناوریانه	Q16	
0.000	9.52	0.07	0.663	پیاده سازی فناوری های سبز و پایدار	Q17	
0.000	7.738	0.062	0.479	ساختار و تشکیلات اجرایی مناسب	Q18	
0.000	18.284	0.039	0.713	ضمانت اجرایی کافی برای مصوبات	Q19	عوامل اجرایی
0.000	28.702	0.027	0.786	هماهنگی بین بخشی	Q20	
0.000	22.328	0.034	0.765	پایش و نظارت مداوم	Q21	
0.000	31.332	0.025	0.776	تأمین منابع مالی پایدار	Q22	
0.000	26.394	0.029	0.776	ظرفیت سازی در نهادهای اجرایی	Q23	
0.000	24.255	0.03	0.735	تناسب قوانین و مقررات ملی با شرایط محلی	Q24	عوامل
0.000	23.948	0.03	0.718	شفافیت در سیاست ها و فرآیندهای مدیریتی	Q25	مدیریتی و قانونی

P Values	T Statistics (O/STDEV)	Standard Deviation (STDEV)	Original Sample (O)	شاخص های ارزیابی	شماره سوال	مولفه ها
0.000	49.312	0.017	0.832	قابلیت اجرای مصوبات قانونی	Q26	عوامل اقتصادی- اجتماعی
0.000	28.4	0.026	0.751	حمایت قانونی از توسعه پایدار	Q27	
0.000	23.092	0.031	0.709	نظارت مؤثر بر اجرای قوانین و مقررات	Q28	
0.000	37.425	0.022	0.805	اشتغال آفرینی پایدار جوامع محلی	Q29	
0.000	34.052	0.024	0.808	توزیع عادلانه درآمد و فرصت های اقتصادی	Q30	
0.000	23.035	0.033	0.765	درآمدزایی و سودآوری برای جوامع محلی	Q31	
0.000	17.462	0.041	0.708	کاهش فقر و نابرابری برای جوامع محلی	Q32	
0.000	18.272	0.036	0.666	کیفیت مشارکت اجتماعی در برنامه ها	Q33	

مدل ساختاری و شاخص های برازش مدل



شکل ۵: ضرایب مسیر برای مدل ساختاری ارزیابی آمایش سرزمین در صنعت نساجی



شکل ۶: ضرایب معناداری برای مدل ساختاری ارزیابی آمایش سرزمین در صنعت نساجی

نتایج مدل ساختاری تحقیق نشان می‌دهند که عوامل نهادی و ساختاری (با ضرایب ۰,۸۹۷ و ۰,۹۲۲) نقش کلیدی در توسعه صنعت نساجی دارند و تقویت زیرساخت‌ها باید در اولویت باشد. شرایط اقلیمی و منابع آب (ضریب ۰,۷۶۵) و ارزیابی آمایش سرزمین (ضریب ۰,۴۸۴) نیز تأکید دارند که دسترسی به منابع طبیعی و برنامه‌ریزی صحیح اهمیت دارد. عوامل اقتصادی-اجتماعی و مدیریتی-قانونی با ضرایب ۰,۸۴۹ و ۰,۸۴۸، و دانش فنی و تکنولوژی (ضریب ۰,۷۵۰) نشان‌دهنده تأثیر این عوامل بر موفقیت آمایش سرزمین هستند. در پیامدها، افزایش کارایی صنعتی (۰,۸۹۵) و یکپارچگی سرزمینی (۰,۸۲۴) به تقویت زنجیره ارزش اشاره دارند. نتایج نشان می‌دهند که ظرفیت‌های ساختاری و اجرایی با ضرایب معناداری ۱,۲۱,۸۳۳ بیشترین تأثیر را دارند. همچنین، عوامل اقتصادی-اجتماعی و عوامل اجرایی با ضرایب معناداری بالا نشان‌دهنده وابستگی موفقیت آمایش به شرایط اقتصادی و اجرایی هستند. این مدل به‌عنوان مبنای معتبر برای برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای صنعت نساجی توصیه می‌شود.

در جدول ۸ اطلاعات مربوط به شاخص‌های برازش مدل شامل آلفای کرونباخ^۶ پایایی ترکیبی^۷ و پایایی اشتراکی و ضریب Rho_A گزارش شده است. در مورد آلفای کرونباخ، همانطور که مشخص است متغیرها دارای ضرایب آلفای بیشتر از ۰,۷ می‌باشند که برازش مناسب مدل‌های اندازه‌گیری را نشان می‌دهد. ضرایب پایایی ترکیبی متغیرها نیز بالای ۰,۷ بوده است و پایایی اشتراکی همگی متغیرها دارای ضریب بالای ۰,۵ هستند. از طرفی ضریب Rho_A نیز باید بالای ۰,۶ باشد که برای همه متغیرها بالای ۰,۶ به دست آمده است. لذا برازش قابل قبول مدل‌های اندازه‌گیری تایید می‌شود.

⁶ Cronbachs Alpha

⁷ composite reliability

جدول ۸: مقادیر شاخص های برازش مدل ساختاری تحقیق

نتیجه	میانگین واریانس استخراج شده (AVE)	پایایی ترکیبی	ضریب Rho_A	آلفای کرونباخ	متغیرهای تحقیق
تایید	0.652	0.929	0.916	0.911	ارزیابی آمایش سرزمین نساجی
تایید	0.827	0.905	0.802	0.792	عوامل موثر بر ارزیابی آمایش
تایید	0.627	0.894	0.851	0.851	پیامدهای ارزیابی آمایش

نتایج روایی همگرا و واگرا نشان‌دهنده برازش خوب مدل اندازه‌گیری است. میانگین واریانس استخراجی تمامی متغیرهای پنهان بیشتر از ۰,۵ بوده و روایی همگرا را تأیید می‌کند. همچنین، در بررسی روایی واگرا، مقادیر جذر AVE هر سازه از همبستگی آن با سایر سازه‌ها بیشتر است، که نشان‌دهنده تمایز مناسب بین سازه‌ها است. به ویژه، سازه "عوامل موثر بر ارزیابی آمایش" با مقدار ۰,۹۰۹ بالاترین روایی واگرا را دارد. این نتایج تأکید می‌کنند که مدل به‌خوبی تفکیک شده و به طور قابل توجهی همپوشانی ندارد.

جدول ۹. ماتریس سنجش روایی به روش فورنل و لارکر

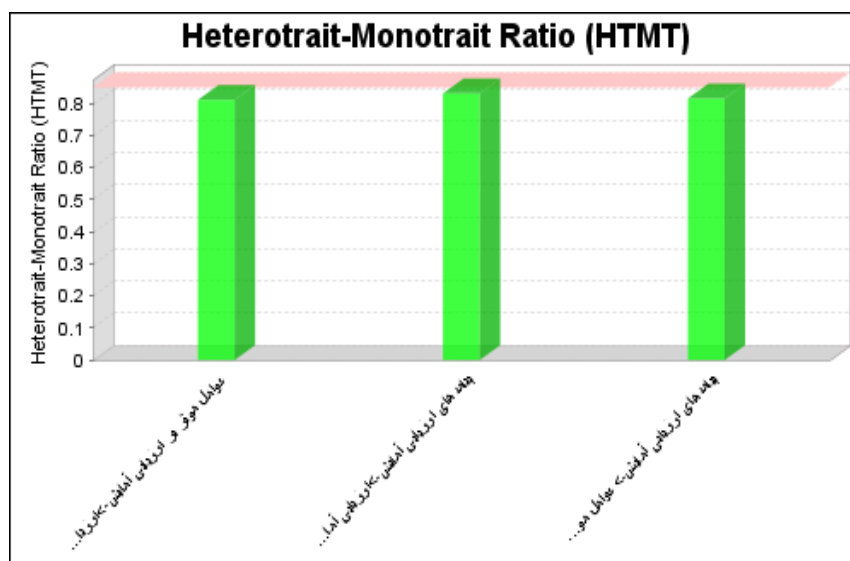
پیامدهای ارزیابی آمایش	عوامل موثر بر ارزیابی آمایش	ارزیابی آمایش سرزمین نساجی
		0.807
		نساجی
	0.909	0.697
		عوامل موثر بر ارزیابی آمایش
0.792	0.672	0.736
		پیامدهای ارزیابی آمایش

ماتریس^۸ HTMT که معیاری دقیق‌تر برای سنجش روایی واگرا است، نتایج امیدوارکننده‌ای را نشان می‌دهد. تمامی مقادیر HTMT در این ماتریس کمتر از ۰,۸۵ هستند که نشان‌دهنده روایی واگرای مناسب است. بالاترین نسبت HTMT مربوط به رابطه بین "ارزیابی آمایش سرزمین نساجی" و "پیامدهای ارزیابی آمایش" با مقدار ۰,۸۳۱ است که هرچند به مرز ۰,۸۵ نزدیک است، اما همچنان قابل قبول می‌باشد. همچنین، روابط بین سایر سازه‌ها با مقادیر ۰,۸۱۱ و ۰,۸۱۶ نیز تأیید می‌کنند که سازه‌های مدل از یکدیگر متمایز هستند. این نتایج نشان می‌دهد که مدل از نظر روایی واگرا در سطح مطلوبی قرار دارد و می‌تواند برای ارزیابی آمایش سرزمین در صنعت نساجی مورد استفاده قرار گیرد.

^۸ Heterotrait-Monotrait Ratio

جدول ۱۰: ماتریس سنجش روایی به روش ماتریس HTMT

پيامدهای ارزیابی آمایش	عوامل موثر بر ارزیابی آمایش	ارزیابی آمایش سرزمین نساجی	
			-
		ارزیابی آمایش سرزمین نساجی	
		عوامل موثر بر ارزیابی آمایش	0.811
	0.816	پيامدهای ارزیابی آمایش	0.831
-			



شکل ۷: نمودار وضعیت ضرایب HTMT مدل ساختاری.

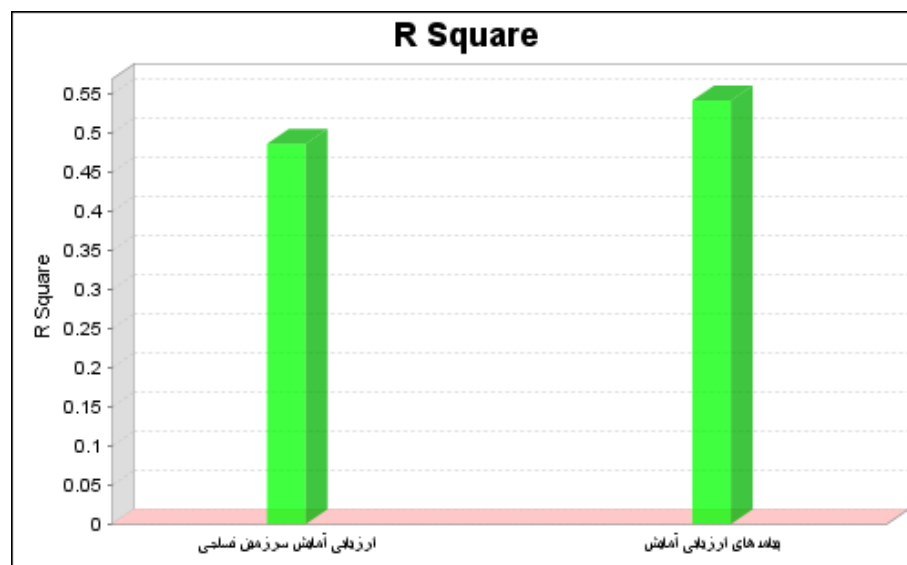
اعداد معناداری t (T-values): مقادیر بالای ۱,۹۶، نشان از صحت رابطه بین سازه‌ها و در نتیجه تأیید فرضیه‌ها است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد است که مقدار همه ضرایب معنی داری بیشتر از ۱,۹۶ گزارش شده است. شکل (۴-۳۱) نشانگر اعداد معناداری بین متغیرها است.

معیار R^2 و Q^2 : مقادیر ۰,۱۹، ۰,۳۳ و ۰,۶۷ به ترتیب نشان از قابلیت پیش‌بینی ضعیف، متوسط و قوی دارند. معیار Q^2 توسط استون گیزر (۱۹۷۵) معرفی شد و قدرت پیش‌بینی مدل را مشخص می‌سازد؛ یعنی مدلهایی که دارای برازش بخش ساختاری قابل قبولی هستند، باید قابلیت پیش‌بینی شاخص‌های مربوط به سازه‌های درون‌زای مدل را نیز داشته باشند. برای این معیار نیز مقادیر ۰,۱۵ و ۰,۳۵ به ترتیب نشان از قابلیت پیش‌بینی ضعیف، متوسط و قوی دارند. (لازم به یادآوری است که معیارهای R^2 و Q^2 فقط برای متغیرهای درون‌زا ارایه می‌گردد).

جدول ۱۱: ارزیابی مقادیر معیار R^2 و Q^2 برای مدل نهایی تحقیق

معیار Q^2	معیار F^2		معیار R^2 تعدیلی	معیار R^2	متغیرهای تحقیق
	پیامدهای ارزیابی آمایش	ارزیابی آمایش سرزمین			
0.517	1.181	-	0.485	0.486	ارزیابی آمایش سرزمین نساجی
0.393	-	-	0.54	0.542	پیامدهای ارزیابی آمایش
0.429	-	0.947	-	-	عوامل مؤثر بر ارزیابی آمایش
0.4463	-	-	0.5125	0.514	میانگین ها

نتایج مدل تحقیق نشان‌دهنده برازش خوب و قدرت پیش‌بینی مناسب است. معیار (R^2) برای "ارزیابی آمایش سرزمین در صنعت نساجی" برابر با ۰,۴۸۶ و برای "پیامدهای ارزیابی آمایش" ۰,۵۴۲ است، که نشان می‌دهد مدل قادر به تبیین ۴۸,۶٪ و ۵۴,۲٪ از تغییرات این متغیرها است. همچنین، معیار (F^2) برای "عوامل مؤثر بر ارزیابی آمایش" ۰,۹۴۷ است که نشان‌دهنده تأثیر قوی این عوامل است. شاخص (Q^2) برای ارزیابی آمایش ۰,۵۱۷ و برای پیامدها ۰,۳۹۳ است که قدرت پیش‌بینی مدل را تأیید می‌کند. به طور کلی، مقادیر میانگین (R^2) (0.514) و (Q^2) (0.4463) نشان‌دهنده برازش و قدرت پیش‌بینی مناسب مدل است. این شاخص‌ها همگی تأیید می‌کنند که مدل قادر به ارزیابی و پیش‌بینی پیامدهای آمایش سرزمین در صنعت نساجی است.

شکل ۸: نمودار وضعیت ضرایب R^2 مقوله‌های اثرپذیر در مدل ساختاری.

در مدل‌های ساختاری، شاخص‌های برازش برای ارزیابی کیفیت و مطابقت مدل با داده‌های تجربی مورد استفاده قرار می‌گیرند. در این تحلیل، چندین شاخص مهم مورد بررسی قرار گرفته‌اند. هر یک از این شاخص‌ها ابزاری برای سنجش میزان تطابق مدل با داده‌ها

هستند و به ما کمک می کنند که تشخیص دهیم آیا مدل ساختاری پیشنهادی می تواند به خوبی روابط بین متغیرها را در نمونه داده ها توضیح دهد یا خیر.

شاخص SRMR به طور خاص به اختلافات استاندارد شده بین ماتریس همبستگی مشاهده شده و پیش بینی شده می پردازد. شاخص Chi-Square میزان تفاوت کلی بین مدل و داده ها را نشان می دهد و NFI نیز مقیاسی برای ارزیابی کیفیت برازش مدل بر اساس مقایسه با یک مدل پایه است.

در تحلیل شاخص SRMR، مقدار آن برای مدل های استاندارد شده و تخمین زده شده به ترتیب برابر با ۰,۰۷ و ۰,۰۷۸ است. این مقدار پایین تر از ۰,۰۸ نشان دهنده ی برازش مناسب مدل است و بیان می کند که تفاوت بین ماتریس همبستگی مشاهده شده و پیش بینی شده ناچیز است. مقدار پایین SRMR در هر دو مدل به معنای انطباق نسبتاً بالای مدل با داده هاست، که تأیید می کند مدل ساختاری به خوبی توانسته است روابط میان متغیرها را به درستی توضیح دهد و خطای باقیمانده در سطح مطلوبی قرار دارد. به ویژه، SRMR به عنوان شاخصی از خطاهای میانگین، پایین بودن آن نشان دهنده ی کیفیت مدل و مطابقت بالای آن با داده هاست.

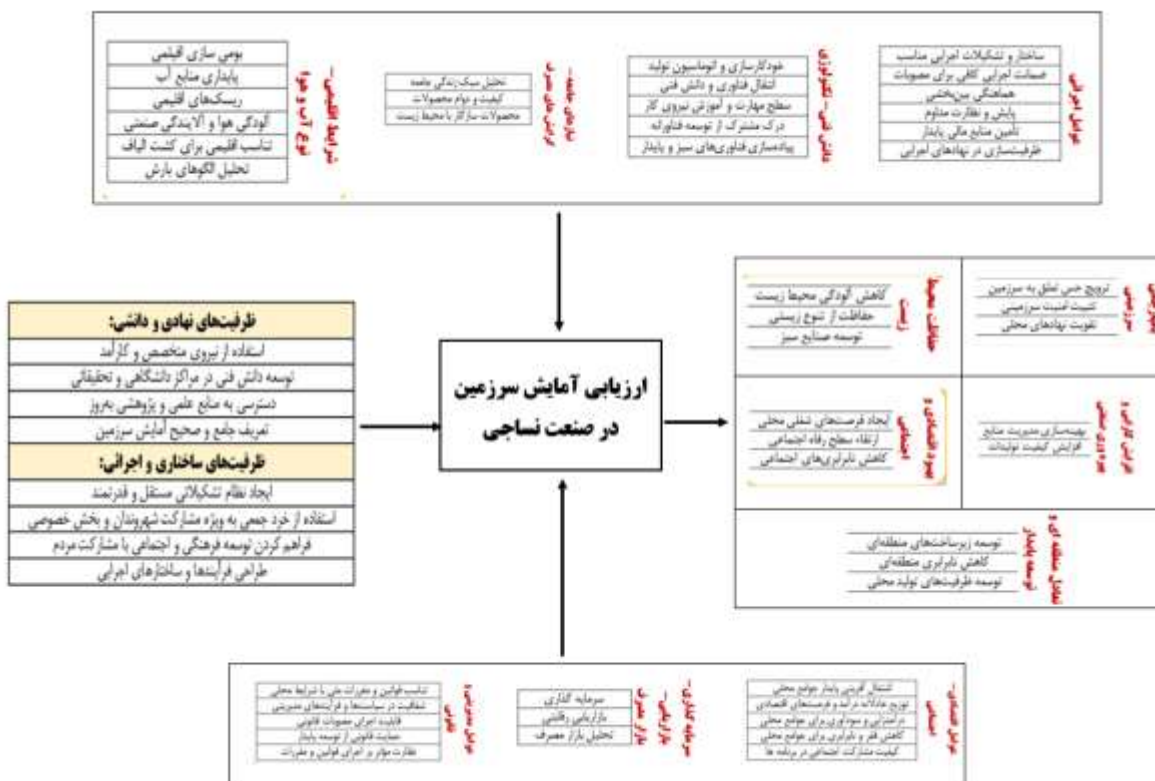
جدول ۱۲: شاخص های برازش مدل ساختاری

Estimated Model	Saturated Model	
0.078	0.07	SRMR
627.551	599.571	Chi-Square
0.82	0.828	NFI

نتیجه گیری و پیشنهادها

۱) نتایج نشان می دهد که عوامل مختلف با تاثیرات متفاوت بر توسعه صنعت نساجی نقش دارند؛ به عنوان نمونه، شرایط اقلیمی تأثیر بسزایی بر تولید الیاف طبیعی و استقرار واحدهای تولیدی دارد، و عوامل اقتصادی-اجتماعی مانند اشتغال زایی برای جوامع محلی پیامدهای توسعه ای قابل توجهی ایجاد می کنند. سپس به پیامدهای کاربرد مدل ارزیابی پرداخته می شود، که نشان می دهد این مدل چگونه به کاهش نابرابری های منطقه ای و تصمیم گیری بهینه کمک می کند. در پایان، راهکارها و استراتژی هایی برای بهبود آمایش سرزمین در صنعت نساجی ارائه شده که شامل ارتقاء دانش فنی، بهبود ساختارهای مدیریتی و توسعه سرمایه گذاری پایدار است. در نهایت، با تکیه بر ابعاد و مؤلفه های ارزیابی آمایش سرزمین، راهکارهایی برای توسعه پایدار در صنعت نساجی ایران پیشنهاد می دهد و به پژوهشگران و سیاست گذاران کمک می کند تا درک بهتری از اهمیت این رویکرد در توسعه این صنعت داشته باشند. شکل ۱۱ ابعاد و مؤلفه های مدل نهایی را پس از اعتباریابی نشان می دهد.

(۲)



شکل ۹: مدل مفهومی نهایی تحقیق برای ارزیابی آمایش سرزمین در صنعت نساجی

در تحقیقات خارجی اخیر، کشورهای مختلف روش‌ها و رویکردهای مختلفی را برای بهبود آمایش سرزمین اتخاذ کرده‌اند. همچنین تحقیق استراتیژا و همکاران (۲۰۲۳) در یونان به بررسی اهمیت مشارکت عمومی و ذینفعان در فرآیند آمایش سرزمین پرداخته است. این مطالعه مشابه تحقیقات کیسلینگ و پوتز (۲۰۲۰) در سوئیس است که به تحلیل ظرفیت‌های حکمرانی منطقه‌ای در آمایش سرزمین و تأثیرات آن بر فرآیندهای اجرایی پرداخته است. هر دو تحقیق تأکید دارند بر اینکه مشارکت مؤثر ذینفعان محلی می‌تواند به بهبود تصمیم‌گیری‌ها و کارآمدی فرآیندهای آمایش سرزمین کمک کند. در حوزه استفاده از داده‌های چندبعدی برای ارزیابی آمایش سرزمین، تحقیق فان و همکاران (۲۰۲۱) در چین چارچوبی برای ارزیابی آمایش سرزمین بوم‌شناختی ارائه داده‌اند. تحقیقات گودرزی و حاجانی (۱۴۰۲)، و پورحیدری و همکاران (۱۴۰۲) به تحلیل وضعیت اجرای سند ملی آمایش سرزمین و چالش‌های مرتبط پرداخته‌اند، که مشابه به هدف پژوهش حاضر است که به طراحی مدلی برای ارزیابی آمایش سرزمین در صنعت نساجی ایران می‌پردازد. این تحقیقات می‌توانند به توسعه مدل ارزیابی کمک کنند و مبنای مفهومی لازم برای چارچوب‌های اجرایی جدید در صنعت نساجی را فراهم سازند. یکی از جنبه‌های نوآوری این تحقیق، طراحی مدلی تخصصی و کاربردی برای ارزیابی آمایش سرزمین در صنعت نساجی است که در پیشینه تحقیقات داخلی و خارجی کمتر به آن پرداخته شده است. اکثر مطالعات پیشین به طور کلی به ارزیابی آمایش سرزمین در ابعاد

عمومی‌تر (مانند کشاورزی یا محیط زیست) پرداخته‌اند، اما این تحقیق مدل خاصی را برای ارزیابی این صنعت در ابعاد اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی ارائه می‌دهد. این مدل با استفاده از معیارهای مختلف از جمله نیازهای جامعه و روندهای مصرف، تأثیرات صنعت نساجی را در سطح سرزمینی تحلیل می‌کند و می‌تواند به برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران کمک کند تا تصمیمات بهینه‌تری اتخاذ کنند. از سوی دیگر، برخی از مطالعات، مانند تحقیق زینلی و علیقلی (۱۴۰۲) به لزوم توجه به متوازن‌سازی فعالیت‌ها و منابع در آمایش سرزمین تأکید دارند که با هدف پژوهش حاضر برای ارزیابی توزیع فعالیت‌ها و منابع در صنعت نساجی همخوانی دارد. مطالعات مشابه دیگر نیز به تحلیل نیازها و چالش‌های توسعه متوازن پرداخته‌اند که می‌تواند برای ارزیابی عملکرد صنعت نساجی در چارچوب آمایش سرزمین مفید باشد. در نهایت، برخی از تحقیقات مانند تحقیق امیری و نصرالهی (۱۴۰۰) به نقش آمایش سرزمین در فرآیند مدیریت بحران و پیشگیری از آن پرداخته‌اند. این جنبه از آمایش سرزمین می‌تواند به طراحی مدل‌های پیش‌بینی و مدیریت بحران در صنعت نساجی کمک کند و ارزیابی‌های مربوط به پایداری و تاب‌آوری این صنعت در برابر بحران‌ها را تسهیل نماید. در مجموع، پیشینه تحقیقات داخلی نشان‌دهنده اهمیت اصلاحات ساختاری، نیاز به هماهنگی بین اسناد و برنامه‌های مختلف، و توجه به چالش‌های اجرایی در پیاده‌سازی آمایش سرزمین است که در پژوهش حاضر نیز به منظور طراحی مدل ارزیابی آمایش سرزمین در صنعت نساجی ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد. پیشنهادهای کاربردی مبتنی بر ابعاد و مولفه‌های ارزیابی آمایش سرزمین در صنعت نساجی:

- انتقال دانش فنی و فناوری‌های نوین در زمینه خودکارسازی تولید، فرآیندهای سبز و پایدار باید در دستور کار قرار گیرد. این انتقال می‌تواند از طریق همکاری با دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و شرکت‌های بین‌المللی انجام شود. همچنین، برگزاری دوره‌های آموزشی برای نیروی کار صنعت نساجی به منظور ارتقای مهارت‌های فنی ضروری است.
- در راستای اجرایی شدن مدل آمایش سرزمین در صنعت نساجی، لازم است که ساختار و تشکیلات اجرایی منسجم و هماهنگی بین‌بخشی میان نهادهای مختلف (دولتی، صنعتی و تحقیقاتی) ایجاد شود. این اقدام باید از طریق تدوین دستورالعمل‌های اجرایی و سیاست‌های هماهنگ در جهت بهبود عملکرد صنعت نساجی صورت پذیرد. نظارت مداوم و پایش مستمر روندهای اجرایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است
- به منظور تقویت بنیان‌های علمی و فنی صنعت نساجی، لازم است که ارتباط مستمر و مؤثری بین صنعت و دانشگاه‌ها ایجاد شود. این ارتباط می‌تواند از طریق برگزاری کارگاه‌ها، دوره‌های آموزشی و پروژه‌های تحقیقاتی مشترک برای توسعه فناوری‌های نوین و سازگار با محیط زیست در صنعت نساجی انجام شود. علاوه بر این، سرمایه‌گذاری در توسعه منابع علمی و پژوهشی به‌روز، به ارتقای سطح دانش فنی صنعت کمک می‌کند
- به منظور موفقیت در پیاده‌سازی برنامه‌های آمایش سرزمین، ضروری است که یک نظام تشکیلاتی مستقل و قدرتمند برای نظارت و اجرای سیاست‌ها در صنعت نساجی ایجاد شود. این سیستم باید توانایی تصمیم‌گیری مؤثر و هماهنگی میان بخش‌های مختلف (دولت، صنعت، دانشگاه‌ها و بخش خصوصی) را داشته باشد. همچنین، استفاده از خرد جمعی از طریق مشارکت فعال شهروندان و بخش خصوصی می‌تواند به اتخاذ تصمیمات بهتر و کارآمدتر کمک کند
- حفاظت از محیط زیست یکی از مولفه‌های کلیدی در ارزیابی آمایش سرزمین است. برای کاهش آلودگی محیط زیست در صنعت نساجی، پیشنهاد می‌شود که قوانین و مقررات زیست‌محیطی سخت‌گیرانه‌تری برای کنترل آلاینده‌ها وضع گردد و فناوری‌های سبز برای کاهش آلودگی‌های ناشی از تولیدات صنعتی به کار گرفته شود. همچنین، باید به حفاظت از تنوع زیستی توجه ویژه‌ای داشته

باشیم و صنایع سبز را در صنعت نساجی ترویج کنیم. این شامل استفاده از مواد اولیه و فرآیندهای تولید دوستدار محیط زیست و اتخاذ راهکارهایی برای کاهش ضایعات و مصرف منابع است. این پژوهش می‌تواند با هدف طراحی و تدوین شاخص‌های بومی برای ارزیابی پایداری صنعت نساجی در مناطق مختلف انجام شود. این شاخص‌ها باید شامل عوامل زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی باشند و امکان ارزیابی دقیق‌تری از وضعیت پایداری صنایع نساجی در بستر آمایش سرزمین فراهم کنند. همچنین، این پژوهش می‌تواند به ایجاد معیارهای ارزیابی جدید برای سایر صنایع پردازد و به مدیریت بهینه منابع در سطح ملی کمک کند. هر یک از این پیشنهادات می‌توانند به عنوان پروژه‌های مستقل پژوهشی اجرا شوند و به توسعه دانش در زمینه آمایش سرزمین و صنعت نساجی در ایران کمک کنند

منابع

- بختیاری، ایرج. (۱۴۰۲). توسعه متوازن و آمایش سرزمینی: الزامات و چالش‌ها. فصلنامه تخصصی حکمرانی متعالی، ۴(۴)، ۹-۴۳.
- زینلی، سعیده و علیقلی، منصوره. (۱۴۰۲). بررسی عوامل، عناصر و موانع آمایش سرزمین. کنفرانس بین‌المللی مدیریت و صنعت..
- امیری، ابوالفضل و نصرالهی، سجاد. (۱۴۰۰). بررسی نقش آمایش سرزمین در فرآیند مدیریت بحران. فصلنامه مدیریت بحران و وضعیت‌های اضطراری، ۱۳(۲)، تابستان ۱۴۰۰.
- ثامنی، امیر و زبردست، اسفندیار. (۱۴۰۲). آسیب‌شناسی تحقق‌پذیری آمایش سرزمین در ایران: نمونه موردی دور چهارم مطالعات آمایش سرزمین. مجلس و راهبرد، ۳۰(۱۱۵)، ۱۲۷-۱۶۲.
- مختاری کرچگانی، علی، توکلی، مرتضی و احمدی‌پور، زهرا. (۱۳۹۹). تحلیل معرفت‌شناسی طرح‌های آمایش سرزمین ایران. آمایش فضا و ژئوماتیک، ۲۴(۳)، ۲۷-۶۳.
- وکیلی، س. (۱۴۰۰). آمایش سرزمین از مفهوم تا مطلوب. روزنامه ایران، ۷۶۵۶.
- پورحیدری، علی، جوزی، محمد و سلمانیان، جواد. (۱۴۰۲). چشم‌انداز سند ملی آمایش سرزمین به منظور بررسی و واکاوی اهداف اجرایی مصوبات این سند. دهمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم جغرافیا، معماری و شهرسازی ایران، تهران.
- Bakhtiari, Iraj. (2023). "Balanced Development and Land Use Planning: Requirements and Challenges." *Specialized Quarterly on Superior Governance*, 4(4), 9-43. (In Persian)
- He, C., Zhang, J., Liu, Z., & Huang, Q. (2022). Characteristics and progress of land use/cover change research during 1990–2018. *Journal of Geographical Sciences*, 32(3), 537-559. <https://doi.org/10.1007/s11442-022-2001-0>
- Kiessling, N., & Pütz, M., (2020). Assessing the regional governance capacities of spatial planning: The case of the canton of Zurich. *Regional Studies, Regional Science*, 7(1), 183–205. <https://doi.org/10.1080/21681376.2020.1776631>
- Kiessling, N., & Pütz, M. (2021). Assessing spatial planning outcomes—A novel framework based on conformance and governance capacities. *Planning Theory & Practice*, 22(3), 414-432.
- Ellis, E. C., Goldewijk, K. K., Gaillard, M.-J., Kaplan, J. O., Thornton, A., Powell, J., Garcia, S. M., Beaudoin, E., & Zerboni, A. (2019). Archaeological assessment reveals Earth's early transformation through land use. *Science*, 365(6456), 897–902. <https://doi.org/10.1126/science.aav0171>

- Solecka, I., Raszka, B., & Krajewski, P. (2018). Landscape analysis for sustainable land use policy: A case study in the municipality of Popielów, Poland. *Land Use Policy*, 75, 116-126. <https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2018.03.028>
- Song, W., Cao, S., Du, M., & He, Z. (2024). Aligning territorial spatial planning with sustainable development goals: A comprehensive analysis of production, living, and ecological spaces in China. *Ecological Indicators*, 160, 111816. <https://doi.org/10.1016/j.ecolind.2024.111816>
- Sarker, M. S. I., & Bartok, I. (2024). Global trends of green manufacturing research in the textile industry using bibliometric analysis. *Case Studies in Chemical and Environmental Engineering*, 9, 100578.
- Marson, A. (2023). Landscape in Spatial Planning: Some Evidence on Methodological Issues and Political Challenges. *Land*, 12(4), 827.
- Olcina, J. (2022). Land use planning and green infrastructure: Tools for natural hazards reduction. In *Disaster Risk Reduction for Resilience: Disaster Risk Management Strategies* (pp. 129-146). https://doi.org/10.1007/978-3-030-88118-5_9
- Schmid, F. B., Kienast, F., & Hersperger, A. M. (2021). The compliance of land-use planning with strategic spatial planning – Insights from Zurich, Switzerland. *European Planning Studies*, 1–20. <https://doi.org/10.1080/09654313.2020.1840522>
- Fan, C., Gai, Z., Shen, S., & Sun, S. (2021). An implementation evaluation framework of ecological spatial planning based on multi-dimensional data: A case study in China. *Urban Forestry & Urban Greening*, 63, 127222.
- Fidan, F. Ş., Aydoğan, E. K., & Uzal, N. (2024). Comprehensive analysis of social subcategories throughout life cycle assessment approach for the textile industry. *The International Journal of Life Cycle Assessment*, 1-16. <https://doi.org/10.1007/s11367-024-02340-8>
- Ntekop, U. E. (2023). Optimizing Industrial Productivity Through Innovative Spatial Organization In Garment Processig Factories.
- Zineli, Saeideh & Aliqoli, Mansoureh. (2023). Investigation of Factors, Elements, and Barriers of Spatial Planning. *International Conference on Management and Industry. (In Persian)
- Amiri, Abolfazl & Nasrollahi, Sajad. (2021). Investigating the Role of Spatial Planning in the Crisis Management Process. *Quarterly Journal of Crisis Management and Emergency Situations, 13*(2), Summer 2021. . (In Persian)
- Samani, Amir & Zabradast, Esfandiar. (2023). Pathology of the Feasibility of Spatial Planning in Iran: Case Study of the Fourth Round of Spatial Planning Studies. *Majles and Strategy, 30*(115), 127-162. (In Persian)
- Mokhtari Karchagani, Ali, Tavakoli, Morteza & Ahmadi Poor, Zahra. (2020). Epistemological Analysis of Spatial Planning Plans in Iran. *Spatial Planning and Geomatics, 24*(3), 27-63. . (In Persian)
- Vakili, S. (2021). Spatial Planning: From Concept to Ideal. *Iran Newspaper, 7656. (In Persian)

Pourheidari, Ali, Joozi, Mohammad & Solmanian, Javad. (2023). The Outlook of the National Spatial Planning Document for Reviewing and Analyzing the Executive Objectives of its Resolutions. *10th National Conference on Modern Studies and Research in Geography, Architecture, and Urban Planning Sciences*. Tehran, Iran. . (In Persian)